

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

محبوب ملت

محبوب ملت

ویژه‌نامه سومین سالروز
شهادت شهید
سردار سپهبد قاسم سلیمانی
| روزنامه جوان |
سه شنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۱

سردار شهید سلیمانی آقهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی خودش و معنوی خودش و انقلابی خودش را و ارزشهای خودش را در او متبلور دید، در او مجسم دید. ایشان هنوز زنده بود و رفت و آمد میکرد - خیلی هم معمولی؛ هیچ پیرایه‌ای هم برای خودش قائل نبود - که من میدیدم در این خیابانها عکسهای او را زده‌اند و به او افتخار میکنند. وقتی شهید شد، فقط انقلابی‌ها نبودند که او را تکریم کردند و بزرگداشت برای او در ذهن و عالم واقع و خارج ایجاد کردند [بلکه] همه‌ی اقشار نسبت به او - حتی کسانی که انتظار نمیرفت نسبت به یک عنصر انقلابی، این جور ابراز احساسات بکنند - ابراز احساسات کردند؛ چرا؟ به خاطر همین: تبلور ارزشهای فرهنگی ایرانی و ایران بود؛ این خیلی بارز است. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)



سردار محمدرضا حسینی سعدی مدیر گلزار شهدای کرمان:

گلزار شهدای کرمان به برکت مزار حاج قاسم قطب فرهنگی شده است

صفحه ۳

دکتر حمیدرضا مقدم فر:

حاج قاسم به شأن پدري کار گزار نظام اسلامی پایند بود

صفحه ۴

یک نویسنده پاکستانی:

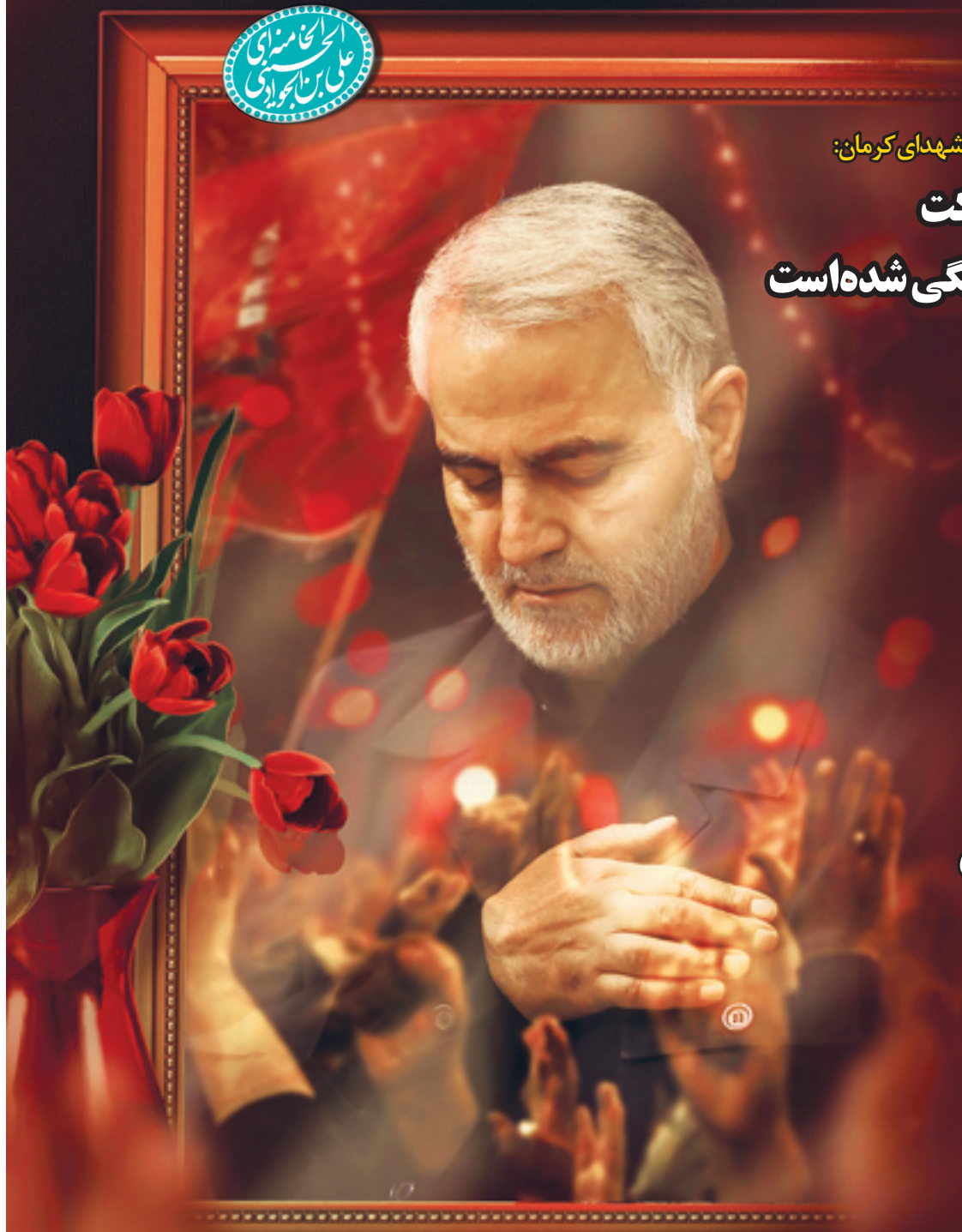
حاج قاسم را بهتر از یک جوان ایرانی می‌شناسم!

صفحه ۶

سردار نظری، فرمانده سپاه کرمان:

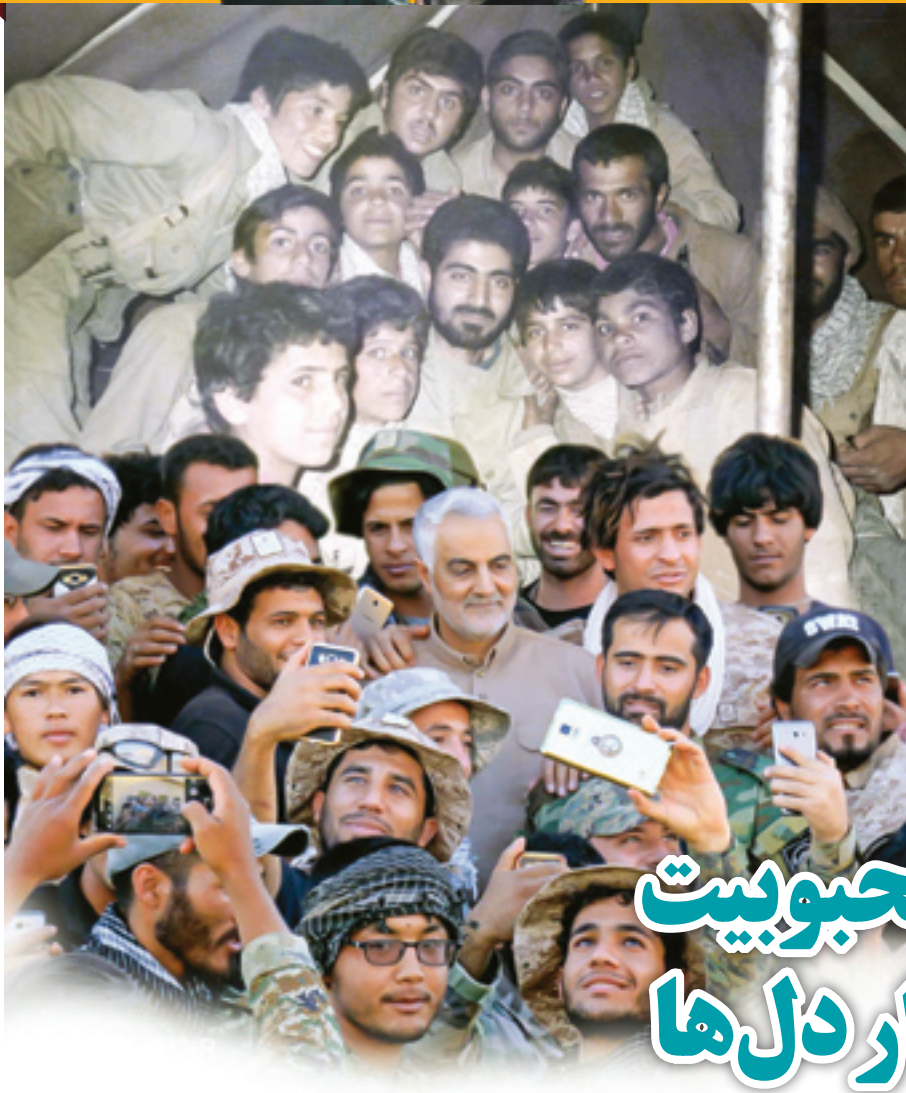
حاج قاسم می‌گفت دوست دارم کرمان همیشه با ولایت بماند

صفحه ۱۲





توصیف رهبر معظم انقلاب از سردار سلیمانی: چهره درخشان و قهرمان امت اسلامی، نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی، قهرمان ملت ایران، دارای شجاعت و روحیه مقاومت، با درایت و باهوش، دارای روحیه فداکاری و نوع دوستی، اهل معنویت و اخلاص و آخرت جویی (بود).



راز محبوبیت سردار دل‌ها

رنگ جناح نگر

■ یوسف زمانی | دبیر ویژه‌نامه

بر اساس نظر سنجی‌های مکرر انجام گرفته در دهه اخیر، سردار حاج قاسم سلیمانی همواره یکی از سه شخصیت محبوب کشور نزد مردم ایران بود. نمود این محبوبیت در مراسم تشییع ایشان نیز آشکار شد، روزی که در تاریخ ایران بلکه جهان ماندگار گردید. خدای رحمان در قرآن کریم (سوره مریم، آیه ۹۶) وعده داده است کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، به زودی برای آنان محبتی در دل‌ها قرار می‌دهد. یعنی ایمان و عمل صالح کلید محبوبیت نزد مردم است. البته میزان کار شایسته دارد. هم‌اگر تباط مستقیمی با درجه ایمان و میزان کار شایسته دارد. قطعاً محبوبیت سردار سلیمانی نیز ناشی از این دو ویژگی است. درباره ایمان می‌توانیم به مواردی چون اخلاص و نیت‌خداایی در امور اشاره کنیم، آنجا که اعمال انسان رنگ‌خداایی بگیرد، بهترین اعمال می‌شود، اما در مورد عمل صالح سردار، گفتنی‌ها فراوان است. او رنگ جناح سیاسی نگرفت و در وصیتنامه‌اش تصریح کرد: «در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم». فرمانده‌اش هم شهادت داد: «در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود». او از نوع نگاه و رفتار برخی افراد در تقسیم‌بندی احاد جامعه اینگونه انتقاد می‌کند: «من و آدم‌های خودم، من و رفقای خودم، من و مریدهای خودم، این بی‌حجاب است، این باحجاب است، این چپ است، آن راست است، این اصلاح‌طلب است، او اصولگراست، خوب پس چه کسی را می‌خواهید حفظ کنید؟ همان دختر کم‌حجاب دختر من است. دختر ما و شماست، نه دختر خاص من و شما، اما جامعه ماست» و دیدیم همان دختران کم‌حجاب عکسش را به دست گرفتند و در شهادتش گریستند و اکنون نیز همان‌ها را سر مزار سردار محبوب می‌بینیم که به زیارتش می‌آیند. فرمانده نظامی بود اما خادم و متواضع مقابل ملت و شریک شادی و غم آنان بود. حضورش در مناطق زلزله‌زده و سیل‌زده کشور آرامش‌بخش بود. با فرزندان شهیدان مهربان و خدمتگزار خانواده‌های شهیدان بود. احاد جامعه را اعضای خانواده خود می‌دانست. دور از ریا و تظاهر، اهل معنویت و اخلاص بود. اما او فقط خادم ملت ایران نبود. می‌توان گفت مهم‌ترین کار ویژه سردار جنبه مقاومت مقابله با فتنه داعش در سوریه و عراق بود. فتنه‌ای که موجب ریختن خون دهها هزار زن و مرد اعم از کودک، جوان و پیر در این کشورها شد. خاموش کردن شعله‌های این فتنه، بزرگ‌ترین خدمت به اسلام و مسلمانان در دهه اخیر بود و بدون تردید نقش سردار محبوب ما در مقابله با داعشی‌ها برجسته‌ترین بود. مردم کشورهای دیگر فتنه داعش، تا ابد خود را مدیون مجاهدت‌های سردار سلیمانی می‌دانند. تشییع باشکوه پیکر سردار در عراق با حضور گسترده مردم این کشور گویای همین قدرشناسی بود. اکنون در سومین سالروز شهادت آن سردار، برگ‌هایی از دفتر زندگی او را ورق می‌زنیم تا با معرفی بیشتر ایشان، ادای دینی هم در قبال مجاهدات و شهادت سردار کرده باشیم. شنیدن سخنان خادمان و زائران مزارش شنیدنی است. کسانی که نه تنها از اقصی نقاط ایران بلکه از کشورهای دور و نزدیک به گلزار شهدای کرمان می‌روند تا ساعاتی در جوارش به آرامش برسند و با او و خدایش درد دل کنند، زوج‌های جوان ایرانی و غیر ایرانی زندگی مشترک خود را از آنجا آغاز می‌کنند، دانش‌آموزان و دانشجویانی که درس مقاومت آنجا می‌آموزند، همه و همه کرمان را به جهانشهر تبدیل کرده است. لازم است در سالگرد شهادت سردار محبوب ملت ایران و امت اسلام از همراهان مخلص و وفادار سردار به ویژه اېومهدی المهندس نیز یاد کنیم و یادشان را گرامی بداریم. این ویژه‌نامه را به روح پاک شهدای ۱۳ دی ماه سال ۹۸ تقدیم می‌کنیم و امیدواریم قدمی در شناخت بیشتر سردار جنبه مقاومت باشد. ■

■ محمدجواد اخوان | مدیر مسئول

برای رزمندگان کرمانی و کلاً منطقه جنوب شرق کشور، نام «حاج قاسم» از دوره دفاع مقدس شناخته شده بود و محبوبیت او در میان هم‌زمانش به همان سال‌ها بازمی‌گشت. اما وقتی سردار سلیمانی به تهران آمد و فرماندهی سزوی‌ترین واحد سپاه، یعنی نیروی قدس را بر عهده گرفت، سایر ایرانیان چیز زیادی درباره او نمی‌دانستند و نوع مأموریتش هم همین را ایجاب می‌کرد که چیز زیادی هم کسی از او و کارش نداند. حتی زمانی که امریکایی‌ها به افغانستان و عراق لشکرکشی کردند، او و یارانش مقابل امریکایی‌ها مردانه، اما گمنام ایستادند و در داخل کسی نامی از آنها نبرد. این خود امریکایی‌ها بودند که وقتی از جهاد و پایمردی او در منطقه به ستوه آمدند، نام او را نه به عنوان یک قهرمان بلکه به عنوان یک «منازع مزاحم» مطرح کردند و تازه عده‌ای - آن‌هم نه همه مردم - با نام و مسئولیت او در حدی مبهم آشنا شدند. یک دهه بعد، اما حاج قاسم روستایی زاده برخاسته از «قنات‌ملک رابر» کرمان، آوازه‌های شگفت‌آور نه تنها در منطقه، بلکه در سطح بین‌المللی یافت و به محبوبیتی فوق‌العاده در میان هموطنانش دست پیدا کرد. آیا محبوبیت فوق‌العاده او ناشی از عملیات رسانه‌ای و تبلیغاتی بود؟ برای پاسخ کافی است به بازتاب تصویر او در قاب رسانه‌ها بنگرید. در طول سال‌های متمادی مسئولیت او بر یکی از حساس‌ترین نهادهای کشور، شاید ظاهر شدن او در برابر دوربین و میکروفن رسانه‌ها، معدود و انگشت‌شمار باشد. در زمانه‌ای که بسیاری تقلا می‌کنند که جلوی دوربین‌ها بیایند و حتی برای آن پول‌های گزافی خرج می‌کنند، سردار سلیمانی از دوربین‌ها گریزان بود. این البته به‌رغم آن بود که به‌شدت مردمی بود و مثلاً همشهریان کرمانی‌اش هر سال او را از نزدیک در قامت خادم اهل بیت در روضه‌های بیت‌الزهرا (س) می‌دیدند و از این مصادیق کم نیست.

همان قدر که مردمی بود، حتی از برجسته شدن همین رویکرد مردمی‌اش هم گریزان بود و به‌طور کلی خوش نداشت آنچه را که بر اساس نیت الهی خود انجام داده به کسی بفروشد. شاید راز محبوبیت او در همین دو نکته یعنی «اخلاص» و «عمل صالح» او بود. چنانکه باری تعالی می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند (نیکوکار شدند)، خدای رحمان آنها را محبوب خود و مردم قرار می‌دهد. «شهید مقاومت هیچ تلاشی برای خرید محبوبیت نکرد، در واقع «حسن فعلی» و «حسن فاعلی» بود که چنین مقامی به حاج قاسم و امثالش می‌داد. کار درست را برای خدا و تنها برای او و مطابق با خواست او انجام داد. وقتی خود را وقف جهاد فی سبیل الله می‌کند و به دنبال کسب رضایت خدای متعال است، خدا نیز رضایت مردم را به او عطا می‌کند. آنگاه که عمل و نیتش صحیح است، چه نیازی دارد که آن را در بوق و کرنا کند، تا دیگران ببینند و خوششان بیاید. او حتی کوچک‌ترین استفاده‌ای از محبوبیتش نکرد و به‌رغم اصرارها هیچ روی خوشی به کار انتخاباتی نشان نداد. شهید سلیمانی در این راه به امام شهیدان تاسی کرد، همو که وقتی به ایران بازمی‌گشت و میلیون‌ها نفر در تهران در استقبالش به انتظار نشسته بودند، «هیچ» حسسی از «تکبر و منیت» نداشت و ۱۰ سال بعد هم میلیون‌ها نفر او را تا خانه ابدی‌اش بدرقه کردند. «اخلاص» و «عمل صالح» سلیمانی او را در که در اوج گمنامی بود پرآوازه کرد و به‌جایی رساند که میلیون‌ها نفر در فراق جانشینش اشک ریختند و در خیابان‌ها تشییع کردند. همین که سه سال از شهادتش گذشته و داغش هنوز سرد نشده، خود نشانه ژرفای محبت ملت ایران به او است. محبوبیت او مانند برخی اقبالی به برخی سیاستمداران نبود که روزی در اوج باشند و روزی از یادرفته، او در دل ملت خواهد ماند، چون خود را به خدای ملت سپرده بود. ■



خداوند! تو را شکر گزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام، تشیع، ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز - که جانم فدای جان او باد - قرار دادی.

گفت و گوی «جوان» با سردار محمدرضا حسنی سعدی مدیر گلزار شهدای کرمان

گلزار شهدای کرمان به برکت حاج قاسم قطب فرهنگی شده است

■ فاطمه فدایی

سردار محمدرضا حسنی سعدی، آزاده و جانباز جنگ تحمیلی و برادر شهیدان حسن و جواد حسنی سعدی، اکنون مدیر گلزار شهدای کرمان است. وی در زمانی که مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران کرمان بود با سردار سلیمانی ارتباط نزدیکی داشت. در یک روز که با هم در گلزار شهدا قدم می‌زدند، حاج قاسم گفت وقتی شهید شدم مزار من کنار مزار شهید الهی باشد و از پاسخ سردار حسنی سعدی چنین برداشت می‌کند که آنجا جابرای ایشان نیست! حاج قاسم می‌گوید حالا همان نزدیکی‌ها باشد هم قبول! اکنون گلزار شهدای کرمان به برکت مزار حاج قاسم و بیش از یک هزار شهید استان به قطب فرهنگی منطقه تبدیل شده است. سردار حسنی سعدی در این گفت و گو از برنامه‌های فرهنگی گلزار شهدای کرمان می‌گوید.



آسیای میانه، آفریقا، اروپا و امریکای لاتین هستند. در همین سه ماه اخیر گروه‌هایی از استرالیا، ایتالیا، فرانسه، آلمان، مالزی و پاکستان به زیارت حاج قاسم آمده‌اند. زائری از کشور فرانسه آمده بود، به ما می‌گفت شما خیلی خوشبخت هستید که ژنرالی مثل سلیمانی را دارید.

■ اینجا یک قطب فرهنگی است

روزانه حدود ۴۰۰ دانش‌آموز از مدارس مختلف به زیارت مزار حاج قاسم می‌آیند و برای آنها برنامه‌های متنوع فرهنگی نظیر روایتگری و پخش فیلم و کلیپ‌های حاج قاسم اجرا می‌شود. در مجموع فضای بسیار خوب و پر شور و معنوی در مزار برقرار است و زائران از این فضا استفاده می‌کنند. اکنون گلزار شهدای کرمان به برکت حاج قاسم یک قطب فرهنگی است.

■ آغاز زندگی مشترک جوانان از مزار حاج قاسم

تاکنون ۴۷۰ زوج جوان زندگی مشترک خود را از جوار مزار حاج قاسم آغاز کرده‌اند. ما در اینجا اتاق عقد و سفره عقد را مهیا کرده‌ایم تا جوانانی که قصد دارند مراسم عقد از دواج خود را اینجا برگزار کنند از امکانات ما و از این فضای معنوی برای شروع زندگی خود بهره‌مند شوند.

■ موبک‌های مردمی و خادمان افتخاری

حسنی سعدی به ثبت‌نام موبک‌ها برای پذیرایی از زائران اشاره می‌کند و می‌گوید: برای مراسم امسال تاکنون بیش از ۲۸۰ موبک جهت برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم ایام شهادت حاج قاسم ثبت‌نام کرده‌اند تا به صورت مردمی و جهادی از زائران پذیرایی کنند.

وی در خصوص خادمان گلزار شهدای کرمان می‌گوید: ۸۰۰ خادم افتخاری در گلزار شهدای کرمان در حال خدمت‌رسانی به زائران در بخش‌های مختلف مثل نظافت، اجرای برنامه‌ها، تهیه صوت و تصویر هستند.

■ هزار و دوازدهمین شهید گلزار کرمان

حسنی سعدی در ادامه به بیان خاطره‌ای می‌پردازد؛ با حاج قاسم در گلزار شهدای کرمان قدم می‌زدیم که به حاجی گفتیم هزار و ۱۱ شهید در این گلزار شهدا آرام گرفته‌اند. ایشان گفت ان شاءالله من هزار و دوازدهمین شهید این گلزار خواهم شد و همین‌طور هم شد. الان ایشان دقیقاً هزار و دوازدهمین شهید گلزار شهدای ما هستند. بر این اساس مجموع ۲۰۰ خاطره از حاج قاسم در کتابی به نام «هزار و دوازدهمین» به چاپ رسیده که تاکنون به چاپ پنجم رسیده است و دوستان پیگیر ترجمه عربی، انگلیسی و روسی این کتاب هستند.

مدیر گلزار شهدای کرمان در ادامه به کانال «فصل خوبان» در فضای مجازی اشاره می‌کند و می‌گوید: اطلاعات خوبی از گلزار شهدای کرمان شامل فیلم برنامه‌های مزار، تصاویر زائران و نقل‌خاطرات در این کانال بارگذاری می‌شود که در پیام‌رسان‌های ای‌تا و سروش در دسترس است. ■

حاج قاسم در زمان حیات گفته بود من شهید شدم در گلزار شهدای کرمان و کنار مزار شهید یوسف الهی به خاک سپرده شوم.

در مناسبت‌های مذهبی و ملی مثل ایام شهادت یا ولادت اهل بیت (ع) و نوروز، جمعیت بسیار زیادی برای زیارت مزار حاج قاسم مشرف می‌شوند، اما در طول سال روزانه به طور میانگین ۲ هزار زائر داریم. نکته قابل توجه این است که ما زائران خارجی زیادی داریم. تاکنون از ۷۰ کشور به زیارت ایشان آمده‌اند.

زائران حاج قاسم از اقلیت‌ها و قومیت‌های مختلف از جمله زرتشتی، مسیحی و اهل سنت از کشورهای آسیای میانه، آفریقا، اروپا و امریکای لاتین هستند. در همین سه ماه اخیر گروه‌هایی از استرالیا، ایتالیا، فرانسه، آلمان، مالزی و پاکستان به زیارت حاج قاسم آمده‌اند. زائری از کشور فرانسه آمده بود، به ما می‌گفت شما خیلی خوشبخت هستید که ژنرالی مثل سلیمانی را دارید.

روزانه حدود ۴۰۰ دانش‌آموز از مدارس مختلف به زیارت مزار حاج قاسم می‌آیند و برای آنها برنامه‌های متنوع فرهنگی نظیر روایتگری و پخش فیلم و کلیپ‌های حاج قاسم اجرا می‌شود. در مجموع فضای بسیار خوب، پر شور و معنوی در مزار برقرار است و زائران از این فضا استفاده می‌کنند. اکنون گلزار شهدای کرمان به برکت حاج قاسم یک قطب فرهنگی است.

■ روزانه ۲ هزار زائر داریم

مدیر گلزار شهدای کرمان در ادامه می‌گوید: از زمانی که حاج قاسم در گلزار شهدای کرمان و در جوار رفقا و هم‌زمان شهیدش آرام گرفته است، روزانه به طور میانگین، ۲ هزار زائر به این گلزار می‌آیند. البته در مناسبت‌های مذهبی و ملی مثل ایام شهادت یا ولادت اهل بیت (ع) و نوروز، جمعیت بسیار بیشتری برای زیارت مزار ایشان مشرف می‌شوند، اما روزانه به طور میانگین ۲ هزار نفر زائر داریم. نکته قابل توجه این است که ما زائران خارجی هم داریم. می‌توانم بگویم که تاکنون از ۷۰ کشور به زیارت ایشان آمده‌اند. زائران از اقلیت‌ها و قومیت‌های مختلف از جمله زرتشتی، مسیحی و اهل سنت از کشورهای

کیلومتر در ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ در گلزار شهدای کرمان به خاک سپرده شد.

■ ستاد ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و مکتب حاج قاسم

وی در ادامه با اشاره به تشکیل ستاد ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و مکتب حاج قاسم می‌گوید: «ستاد ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و مکتب حاج قاسم» با کمک استنادار، امام جمعه و همراهی سایر مسئولان استان کرمان راه‌اندازی شده است. این ستاد ۱۶ کمیته دارد که در طول سال فعال هستند؛ از جمله آنها کمیته فضای مجازی و رسانه، کمیته اسکان، کمیته مواکب، کمیته پشتیبانی و کمیته گلزار است.

حسنی سعدی از توصیه حاج قاسم برای تدفین در گلزار شهدای کرمان می‌گوید: «قبل از شهادت حاج قاسم که من مدیر کل بنیاد شهید استان کرمان بودم، یکی از دوستان از دفتر سردار سلیمانی با من تماس گرفت و گفت حاج قاسم گفت من شهید شدم باید کنار شهید یوسف الهی دفن شوم. برادر همسر حاج قاسم هم برای من پیام آورد که تقاضای حاج قاسم این است که بعد از شهادت در گلزار شهدای کرمان و در کنار مزار شهید یوسف الهی خاکسپاری شود.

بعد از آن در فرصتی حاج قاسم را دیدم و در صحبت با ایشان متوجه شدم نظرشان همان است که قبلاً به من منتقل شده بود، اما گویا ایشان از صحبت‌های من اینطور برداشت کرده بود که نظرم این است کنار مزار شهید الهی، جا برای ایشان نیست. بعد ایشان یک مقدار انعطاف نشان داد و رو به من کرد و گفت لااقل همان نزدیکی باشد! گفتیم ان شاءالله که ۱۲۰ سال عمر و خدمت کنید. حاج قاسم گفت نه! دعا کنید که عاقبت بخیر شویم و بهترین عاقبت شهادت است. وقتی خبر شهادت ایشان را شنیدیم (اولین خبر را پسر داد و گفت که در فضای مجازی می‌گویند حاج قاسم به شهادت رسیده است) همان لحظه قرآن را باز کردم و این آیه آمد: *الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَطَّعُوا* که آیه‌ای که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خوشا به حال‌شان و سرانجام نیکویی دارند.

دیوان حافظ را باز کردم، یک غزل زیبا آمد که الان یک بیت از آن در خاطر من مانده است: خورشید چو آن خال سیه دید به دل گفت / ای کاش که من بودم آن هندوی مقبل اگر دقت کرده باشی حاج قاسم یک خالی روی صورت دارند. ادامه غزل هم می‌گوید که ظالم راه به جایی نمی‌برد: دور فلکی یک سره بر منهج عدل است / خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل سرانجام پیکر حاج قاسم عزیز پس از تشییع در شهرهای مختلف عراق و ایران و طی ۳ هزار و ۵۳۵



جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌هایی مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص).



گفت‌وگوی «جوان» با دکتر حمیدرضا مقدم‌فر، دبیر ستاد مردمی بزرگداشت سردار سلیمانی

حاج قاسم به شأن پدری کارگزار نظام اسلامی پایبند بود

ظاهر می‌شود. (در اینگونه موارد) از عفو و گذشت خود آن مقدار به آنها عطا کن که دوست داری و خشونت می‌شوی خداوند از عفو تو به تو عطا کند، زیرا تو فوق آنها هستی و پیشوایت فوق توست و خداوند فوق کسی است که تو را زمامدار آنها قرار داده و تدبیر امور آنها را از تو خواسته و به وسیله آنان تو را آزمایش می‌کند.»

بنابراین از حاج قاسم عزیز که از او به عنوان مالک اشتر زمان و یک عنصر انقلابی تمام عیار یاد می‌شود نباید انتظاری جز این داشت.

ویژگی اهل حزب و جناح نبودن در مراسم تشییع حاج قاسم هم نمود پیدا کرد و افراد از همه جناح‌ها و حتی غیرانقلابی‌ها هم در آن مراسم شرکت کردند. حاج قاسم در وصیتنامه‌اش هم نوشت: «در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم.» اما چرا چنین رفتاری کمتر میان مسئولان ما مشاهده می‌شود؟ به عبارتی مسئولان در مقام حرف حاج قاسم را تجلیل می‌کنند اما در مقام عمل از این رفتار ایشان الگو نمی‌گیرند. آیا از شجاعت این و آن می‌ترسند؟ چون خود سردار بابت این رفتار شجاعانه مورد شجاعت خودی‌ها قرار گرفت.

مردان خدا به همه مخلوقات با نگاه الهی می‌نگرند. آنها قبل از توجه به ظاهر مخلوقات به باطن آنها می‌نگرند و همه مخلوقات را آواز خوان سرود تسبیح خداوند می‌دانند، بنابراین هم با آنها هم‌نام می‌شوند و هم به آنها عشق می‌ورزند. آن شاعر شیرین سخن خوش زبان حال چنین کسانی را به خوبی بیان کرده است: «به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست/ عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست.»

برای همین تعجب نمی‌کنیم که در سیره شهید سلیمانی مشاهده می‌شود از دور دست‌ها به رزمندگانی که در یک منطقه خاص حضور دارند دستور می‌دهد به حیوانات محل آب و غذا برسانند و معتقد باشد که دعای آنها راهگشای موفقیت آنهاست.

این نگاه در ارتباطات انسانی مبنای تعامل با انسان‌ها را همچنان که در پاسخ سؤال قبل اشاره شد بر اساس سفارش مولا امیرالمؤمنین علی (ع) وجه مشترک انسان‌ها یعنی «بنده خدا بودن» و شباهت در آفرینش می‌گذارد، البته این به هیچ وجه نباید بر عقب‌نشینی از اعتقادات و تساهل در دینداری تلقی شود. همچنان که گل سرسبد عالم آفرینش نبی مکرم اسلام (ص) با پیروان ادیان دیگر چنین عمل می‌کرد و مبنای رابطه با آنها را «انسانیت» و سرشت الهی که همه انسان‌ها بر اساس آن آفریده شده‌اند، می‌گذاشت. «فَطَرَتَ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهِمْ...»

بنابراین از اینکه شهید سلیمانی به تاسی از پیامبر اکرم (ص) با همه انسان‌ها قدرت ارتباط‌گیری و تأثیرگذاری داشت نباید تعجب کرد بلکه از دیگرانی که ادعای مسلمانی دارند و رفتار و کردارشان



از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین رسالت‌های عناصر انقلابی برقراری روابط صمیمانه با کسانی است که در فرض سؤال غیرانقلابی نامیده شده‌اند به این شرط که این روابط صمیمانه منجر به جذب حداکثری آنان نسبت به انقلاب شود و نه ایجاد تردید و تزلزل در فرد انقلابی.

ما در سیره حاج قاسم عزیز این روابط صمیمانه را بسیار مشاهده کرده‌ایم که نتیجه آن نه تغییر در راه و رسم حاج قاسم بلکه دلدادگی طرف‌های مقابل به حاج قاسم و اعتقادات و مرام انقلابی او شده است.

علاوه بر این جدای از مسئله جذب حداکثری باید به این نکته توجه داشت که هر فرد انقلابی خصوصاً کسانی که خود را کارگزار نظام اسلامی می‌دانند، باید رابطه خود را با دیگران بر اساس ملاکی که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج‌البلاغه مطرح کرده و کارگزاران نظام اسلامی را به آن فراخوانده‌اند، تنظیم کند. این ملاک در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر چنین مطرح شده است: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللِّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارًّا يَتَغَنَّبُ أَكْلَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَدٌ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلِيلُ، وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ، وَيُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَأِ، فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَضَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تَحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَضَفْحِهِ، فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ، وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ، وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَاكَ! وَقَدْ اسْتَكْفَاكَ أُمَّرَهُمْ وَابْتَلَاكَ بِهِمْ؛ وَ قَلْبَ خَوْشِ رَا كَانُونَ رَحْمَتَ وَمَحَبَّتَ وَ لَطْفَ بِهِمْ» و رعیت قرار ده و در مورد آنان همچون درنده‌ای مباش که خوردنشان را عنیمت شماری، زیرا آنها دو گروهند؛ یا برادر دینی تو هستند یا انسان‌هایی که در آفرینش شبیه تو هستند (در هر حال باید حقوق آنها را محترم بشماری و بدان که)، از مردم لغزش‌ها و خطاهایی سرمی‌زند و مشکلاتی برای آنها رخ می‌دهد (که آنها را از انجام وظیفه بازمی‌دارد) و به دست آنان از روی عمد یا خطا، کارها (ی خلافی)

فرمود: «من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام. چارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است.» دوستی خود را در چارچوب درستی راه افراد قرار دهیم.

البته باید به این مهم نیز توجه داشته باشیم که درستی راه افراد را نباید در تطابق راه آنان با راه خود یا جناح خود و وابستگان به سلیقه خود تعریف کنیم. چه بسا بسیاری از افراد که غیرانقلابی پنداشته می‌شوند در واقع امر، دلبستگی شدیدتر و دلسوزانه‌تری به انقلاب داشته باشند و بسیاری نیز که لاف انقلابی‌گری می‌زنند از ارزش‌های انقلابی به دور باشند.



درستی راه افراد را نباید در تطابق راه آنان با راه خود یا جناح خود و وابستگان به سلیقه خود تعریف کنیم. چه بسا بسیاری از افراد که غیرانقلابی پنداشته می‌شوند در واقع امر، دلبستگی شدیدتر و دلسوزانه‌تری به انقلاب داشته باشند و بسیاری نیز که لاف انقلابی‌گری می‌زنند از ارزش‌های انقلابی به دور باشند

صغری خیل فرهنگ

دکتر حمیدرضا مقدم‌فر، دبیر ستاد مردمی بزرگداشت سومین سالروز شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی در این گفت‌وگو به خصوصیات سردار دل‌ها نظیر اهل حزب و جناح نبودن و رابطه صمیمانه وی با اهل به ظاهر غیر انقلابی و جمع آن با انقلابی‌گری، شأن پدری داشتن برای همه طیف‌های جامعه از جمله دختران بی‌حجاب، راز محبوبیت سردار و اقدامات بنیاد شهید سلیمانی در معرفی دقیق ایشان و جلوگیری از تحریف شخصیت و پاسخگویی به شبهات پیرامون عملکرد سردار پاسخ می‌دهد و می‌گوید یکی از کارهای اصلی که در بنیاد دنبال می‌شود رصد، شناسایی، جمع‌آوری و محور‌یابی شبهاتی است که درباره شهید سلیمانی و عرصه‌های نقش آفرینی او مطرح شده و می‌شود.

یکی از ویژگی‌های حاج قاسم که رهبر معظم انقلاب هم بر آن تصریح کردند این بود که در مسائل داخلی به شدت انقلابی بود، اما اهل حزب و جناح نبود. این ویژگی ایشان را چگونه تبیین می‌کنید. این سؤال مطرح است که چگونه یک فرد انقلابی با افراد به ظاهر غیر انقلابی روابط صمیمانه دارد و از آنان تقدیر هم می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین انحرافات در جامعه ما تحریف و تعریف مفاهیمی مانند «انقلابی‌گری»، «پیروی از خط امام (ره)»، «حزب‌اللهی»، «اصول‌گرایی»، «اصلاح‌طلبی»، «آتش به اختیاری» و... در دایره تنگ جناحی و قبیله‌ای است. در حالی که این مفاهیم در منظومه‌گفتمانی امامین انقلاب اسلامی از بار معنایی والا و گسترده‌ای برخوردارند و محدود کردن آنها در دایره حزب، جناح، باند و سلیقه سیاسی خاص جفا به این مفاهیم است و باعث می‌شود اعتبار این مفاهیم در افکار عمومی کاهش یابد. در همین راستا برخی تلاش می‌کنند انقلابی‌گری را حرکتی غیرعقلانی، هیجانی، بی‌منطق و تخریبی و نه سازنده معرفی کنند، در حالی که در اندیشه مقام معظم رهبری، انقلابی‌گری رمز و راز پیشرفت کشور معرفی شده است و ایشان اعتقاد دارند هر جا پیش رفته‌ایم به دلیل روحیه انقلابی‌گری در جوانان ما از جمله شهیدان حسن‌تهرانی مقدم‌ها، شهید شهرباری‌ها و شهدای هسته‌ای و افرادی نظیر مرحوم کاظمی آشتیانی‌ها بوده است و هر جا متوقف شده‌ایم به دلیل فراموشی یا فاصله گرفتن از روحیه انقلابی بوده است.

انقلابی‌گری حصار تنگ جناح‌گرایی‌ها را می‌شکند و باعث می‌شود عنصر انقلابی جز به حفظ اسلام، بالندگی و پیش‌روندگی انقلاب اسلامی و پیشرفت کشور به چیز دیگری نیندیشد و همه توش و توان خود را صرف تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب نماید. انقلابی‌گری به ما می‌آموزد همچون امام راحل که



فرزندنام، دختران و پسرانم، فرزندان شهید، پدران و مادران باقی مانده از شهید، ای چراغ‌های فروزان کشور ما، خواهران و برادران و همسران وفادار و متدینه شهید! تا پیشکسوتان این ملتید، قدر خودتان را بدانید. شهیدتان را در خودتان جلوه‌گر کنید، به طوری که هر کس شما را می‌بیند، پدر شهید یا فرزند شهید را، بعینه خود شهید را احساس کند، با همان معنویت، صلابت و خصوصیت.

نهاده است. صدق و اخلاص از جمله این ویژگی‌ها و ارزش‌هایی است که پاداش آنها از ناحیه خداوند متعال محبوبیت است؛ محبوبیتی نه در زمین بلکه در آسمان و آسمانیان.

بنیاد مکتب سردار سلیمانی در معرفی شخصیت سردار و مقابله با تحریف شخصیت ایشان چه اقداماتی را انجام می‌دهد؟

یکی از مهم‌ترین ترندها برای تخریب شخصیت‌های برجسته «تحریف» آنهاست. خطر تحریف در مورد شخصیت‌هایی که بیشتر مورد احترام و اقبال مردم هستند جدی‌تر است. بنابراین مهم‌ترین وظیفه بنیاد حفظ اصالت شخصیت و مکتب حاج قاسم و مراقبت از تحریف و انحراف در آن است. علاوه بر این وظیفه بنیاد تبیین ابعاد شخصیت و مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی است. این مهم در قالب تولید محصولات فرهنگی، هنری و رسانه‌ای قابل انجام است و بیش از آن نیازمند زمینه‌سازی برای نقش آفرینی نخبگان و حلقه‌های واسطه با متن جامعه است که معمولاً در قالب فعالیت‌های علمی و پژوهشی صورت می‌پذیرد و بنیاد از انجام آن نیز غفلت نکرده و امید است این تلاش‌ها افزایش چشمگیری نیز پیدا کنند.

هر چه زمان بگذرد سال به سال شباهت دشمنان، مخالفان و منتقدان درباره سردار افزایش خواهد یافت. همانگونه که اکنون شاهد افزایش شبهه پراکنی در مورد دهه اول انقلاب و دفاع مقدس و حتی تصمیمات امام را حل هستیم. بنیاد در این زمینه چه تمهیداتی اندیشیده است؟

یکی از کارهای اصلی که در بنیاد دنبال می‌شود رصد، شناسایی، جمع‌آوری و محور یابی شبهاتی است که درباره شهید سلیمانی و عرصه‌های نقش آفرینی او مطرح شده و می‌شود. با شناسایی این شبهات تلاش‌هایی نظام‌مند برای تهیه محورهای پاسخگویی به آنها انجام شده و می‌شود و به نحو مقتضی تولیدات محتوایی در این زمینه در اختیار صاحبان تریبون و رسانه‌های قرار داده شده و می‌شود تا با استفاده از تمام ظرفیت‌های تبیینی نسبت به شبهه‌زدایی و از آن مهم‌تر از بین بردن زمینه شبهه‌آفرینی فراهم شود.

ساخت سریال یا فیلم سینمایی از زندگی و مجاهدت‌های سردار می‌تواند در معرفی هر چه بیشتر این شخصیت مؤثر تر از سایر روش‌ها مثل نوشتن کتاب باشد. در این زمینه اقدامی انجام شده است؟

در این باره هم بنیاد و هم سایر نهادها و ظرفیت‌ها طرح‌هایی در دست اقدام دارند. هم‌اکنون در سایه تلاش‌های مجاهدت‌آمیز برخی هنرمندان و مستندسازان مستندهای خوبی در این باره تولید و در زمینه آثار مکتوب نیز بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب تألیف شده است، ضمن آنکه به پهنانه برگزاری همایش‌های علمی، مقالات خیلی خوب و معتبری در اختیار قرار گرفته که هم آثار مکتوب و هم این مقالات علمی دستمایه ارزشمندی برای سوژه‌پردازی برای خلق آثار تصویری از جمله فیلم و سریال فراهم کرده‌اند که با این سرمایه امید است در سال‌های آینده شاهد به ثمر رسیدن این تلاش‌ها باشیم. ■

از مسئولان امر پیگیری کنند و هم مسئولان فرصت‌های حضور اجتماعی خود در میان مردم را افزایش دهند و مرادوات ملموس و صمیمانه‌تری با آحاد جامعه پیدا کنند. این نگاه در اتاق‌های در بسته تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حاصل نمی‌شود بلکه در میان مردم و در هم جوشیدگی با متن مردم حاصل می‌شود.

به نظر شما راز محبوبیت حاج قاسم چیست؟

راز محبوبیت حاج قاسم در دو ویژگی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیف مکتب شهید سلیمانی به آن اشاره کردند. ایشان فرمودند:

باید به این مهم توجه داشته باشیم که درستی راه افراد را نباید در تطابق راه آنان با راه خود یا جناح خود و وابستگی به سلیقه خود تعریف کنیم. چه بسا بسیاری از افراد که غیر انقلابی پنداشته می‌شوند در واقع امر، دلبستگی شدیدتر و دلسوزانه‌تری به انقلاب داشته باشند و بسیاری نیز که لاف انقلابی‌گری می‌زنند از ارزش‌های انقلابی به دور باشند.

تعجب نمی‌کنیم که در سیره شهید سلیمانی مشاهده می‌شود از دور دست‌ها به رزمندگانی که در یک منطقه خاص حضور دارند دستور می‌دهد به حیوانات محل آب و غذا برسانند و معتقد باشد که دعای آنها راهگشای موفقیت آنهاست.

راز محبوبیت حاج قاسم در دو ویژگی است. صدق و اخلاص انسان را محبوب خداوند می‌کند و انسانی که محبوب خداوند شود، خداوند محبت او را در دل مردم می‌افکند.

یکی از مهم‌ترین ترندها برای تخریب شخصیت‌های برجسته «تحریف» آنهاست. خطر تحریف در مورد شخصیت‌هایی که بیشتر مورد احترام و اقبال مردم هستند جدی‌تر است. بنابراین مهم‌ترین وظیفه بنیاد حفظ اصالت شخصیت و مکتب حاج قاسم و مراقبت از تحریف و انحراف در آن است. علاوه بر این وظیفه بنیاد، تبیین ابعاد شخصیت و مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی است.

«اگر بخوایم آن چیزی را که اسمش را می‌گذاریم «مکتب سلیمانی»، در یکی دو جمله کوتاه تبیین کنیم، باید بگوییم این مکتب عبارت است از «صدق» و «اخلاص». این دو کلمه در واقع عنوان و نماد و نمایه مکتب سلیمانی است.»

صدق و اخلاص، انسان را محبوب خداوند می‌کند و انسانی که محبوب خداوند شود، خداوند محبت او را در دل مردم می‌افکند.

در زیارت‌امین‌الله از خداوند درخواست می‌کنیم: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ - رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُؤَلَّغَةً بِذِكْرِكَ وَ دَعَائِكَ مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ: خدا یا قرار ده نفسم را آرام در برابر تقدیرت، خشنود به قضاوت، حریص به ذکر و دعایت، عاشق به برگزیده دوستانت، محبوب در زمین و آسمانت.»

معلوم می‌شود محبت اگر چه ناشی از برخی ویژگی‌ها و ارزش‌هایی است که انسان وجودش را به آنها زینت می‌دهد لیکن اصل و اساس آن ریشه در خواست الهی دارد. خداوند است که باید بذر حب را در دل مردمان بکارد و دل‌ها را متوجه کسی کند که خود دل در گرو دوستان و اولیای الهی

بدانی آنان به دلیل ضعف‌شان و قدرتمندی تو، رعیت تو گشته‌اند. پس باید با آنان به داد رفتار کنی و برایشان مانند پدری مهربان باشی و رفتارهای جاهلانه آنان را بیخشی و زود کیفرشان ندهی و به شکرانه قدرتی که خداوند عزوجل به تو بر آنان داده است، او را سپاس گویی.»

چنانچه در این تعالیم آسمانی مشاهده می‌شود شأن اصلی و محوری کار گزار نظام اسلامی در هر رده و منصبی که باشد، شأن «پدری» است. آنچه در سؤال فوق از شهید سلیمانی نقل شده است نشانه بارز پایبندی وی به این شأن خود است. نگاه پدرانه او باعث می‌شود آن دختر بی‌حجاب را هم دختر

دافعه‌آفرین است و نه جاذبه‌آفرین باید تعجب کرد.

خوشبختانه باید به این حقیقت معترف بود که با انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی شخصیت‌هایی به جامعه عرضه شدند که همچون شهید سلیمانی با همین ویژگی‌ها به میدان گذاشتند و کام ملت را با رفتار و کردارشان شیرین کردند و آنها که رفتند خاطرات خوشی از خود در حافظه تاریخی ملت به یادگار گذاشتند و آنها را هم که هستند مایه امید مردمند.

مردم ما هنوز یاد شهیدان رجبی، همت، خرازی، باکری، تهرانی مقدم، صیاد شیرازی و خیل بسیاری از این افراد را فراموش نکرده‌اند و قدر دان مسئولانی هستند که راه و رسم آنها را در جامعه زنده نگه می‌دارند. این پدیده باعث می‌شود هر مسئول و کارگزار بی‌خواهد خلاف این مسیر عمل کند در چشم و دل مردم جایگاهی پیدا نکند.

علت اینکه برخی چنین رفتاری را تاب نمی‌آورند یا پایبند به آن نیستند در «معرفت» آنان نسبت به این حقیقت است. این معرفت با نزدیکی بیشتر به خدا تقویت و حاصل خواهد شد، چرا که نزدیکی به خداوند باعث خواهد شد افراد مقرب از افاق نگاه خداوند به مخلوقات بنگرند و همان محبتی که خداوند به مخلوقاتش را دارد آنها نیز داشته باشند. باید تلاش کنیم این نگاه هر چه بیشتر در جامعه حاکم شود و در سبک و سیره مسئولان نمود بیشتری پیدا کند و در این مسیر نباید از سرزنش سرزنش‌کنندگان بیم به دل راه داد.

نگاه حاج قاسم به مسائل فرهنگی هم قابل توجه است. سخن معروفش که می‌گوید آن دختر بی‌حجاب هم دختر من و شمامست، این نگاه را تبیین می‌کند. به نظر شما این نگاه در نگاه مسئولان فرهنگی کشور چقدر فراگیر است؟ نگاه حاکم بر جامعه چقدر منطبق بر این دیدگاه است؟

مدیریت در نظام اسلامی با مدیریت در مکاتب دیگر یک فرق اساسی دارد و این تفاوت در نوع تلقی از مدیریت در این دو نگاه است.

در تلقی اسلامی و مکتبی مدیریت قبل از آن که ریاست، رهبری، قیادت و... باشد «ابوت» است. مدیر در جامعه اسلامی «پدر» امت محسوب می‌شود و هر فردی که سرپرستی و هدایت امر جامعه را بر عهده می‌گیرد اگر فاقد این نگاه باشد مدیریتش رنگ و صبغه مکتبی ندارد.

امام باقر در حدیثی به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که رهبری جامعه را بر عهده می‌گیرد باید سه خصلت داشته باشد و علاوه بر ورع و حلم به مسئله حسن ولایت اشاره می‌کنند و در توضیح آن می‌فرمایند: «حَسُنَ الْوَلَايَةُ عَلَي مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ»، یعنی کسانی را که تحت ولایت او هستند باید به خوبی اداره نماید تا جایی که برای آنها مانند پدر مهربان باشد.

در همین رابطه امام زین‌العابدین (ع) نیز در تبیین حقوق رعیت بر سلطان می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ، فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُمْ صَارُوا رَعِيَّتَكَ لَصَفْعِهِمْ وَقَوِيَّتِكَ، فَيَجِبُ أَنْ تَعْدَلَ فِيهِمْ وَتَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ، وَتَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ، وَلَا تَعَاجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ، وَتَشْكُرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيَّهِمْ: حق حکومتی شهروندان بر تو، آن است که

خود بدانند و او را همچنان در دایره خانواده نگه دارد و طرد نکند تا اسیر گرگ‌های درنده‌ای که در کمین عفت او و کین نظام اسلامی نشسته‌اند نشود. او آغوش پدرانه خود را به روی آنان باز می‌کند تا دیگران آنها را شکار نکنند. البته نگاه پدرانه ایجاب می‌کند تا برای تربیت صحیح آنان و نیز نشان دادن راه درست و صحیح به آنان تلاش شود. این نگاه پدرانه، فرزند را در معرض معارفی قرار می‌دهد تا خود راه صحیح را پیدا کند و خود را برای طی طریق در راه درست انگیزه‌مند و ملتزم بداند.

شأن پدری باعث می‌شود شهروندان را بیگانه از خود در نظر نگیریم و آنها را همچنان سر سفره خانواده بنشانیم و در این هم‌سفرگی داد و ستدهای معرفتی با آنها داشته باشیم و هم از آنها بشنویم و هم آنچه صلاح آنهاست را به آنها بشنوایم.

به نظر می‌رسد هر چه بیشتر جامعه به سمت عقلانیت می‌رود و از فضای هیجانی فاصله می‌گیرد این نگاه در جامعه و میان مسئولان فرهنگی بیشتر نمود و ظهور پیدا خواهد کرد و البته باید برای تقویت این نگاه هم اصحاب رسانه تلاش‌های بیشتری داشته باشند و این مطالبه مکتبی را



برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان رافدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید، حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.

گفت‌وگو با نویسنده پاکستانی کتابی درباره سردار سلیمانی

حاج قاسم را بهتر از یک جوان ایرانی می‌شناسم!

نگاه ما به حاج قاسم به عنوان یک فرمانده سپاه اسلام و یک الگو برای نسل جوان است

■ زهرا چیدری

حاج قاسم سلیمانی فقط قهرمان مردم ایران نبود و نیست بلکه نامش از جغرافیای ایران زمین فراتر رفته و قهرمان بسیاری از ملت‌ها به‌ویژه کشورهای محور مقاومت است. به همین خاطر هم مردم کشورهای چون عراق، لبنان، سوریه، پاکستان و افغانستان هم او را قهرمان خود می‌دانند. سید حسن رضا نقوی، نویسنده پاکستانی و دانشجوی رشته مدیریت دولتی دانشگاه تهران یکی از همین افرادی است که ارادتش نسبت به حاج قاسم موجب شد تا بعد از شهادت وی دست به قلم شود و با کتاب «سرباز مکتب» زندگی حاج قاسم را در قالب گفت‌وگو با افراد مختلف روایت کند. نقوی درباره انگیزه‌اش برای نگارش این کتاب می‌گوید: «بعد از شهادت حاج قاسم به حدی شخصیت او را شناختم که شاید یک جوان ایرانی به اندازه من از حاج قاسم شناخت نداشت. به همین خاطر تصمیم گرفتم که آنچه را که من از حاج قاسم می‌دانم به جوانان پاکستانی بگویم تا آنها هم با چنین شخصیتی آشنا شوند.» این کتاب به چهار زبان فارسی، انگلیسی، اردو و عربی منتشر شده است و آنطور که نویسنده این کتاب می‌گوید در پاکستان استقبال زیادی از این کتاب صورت گرفته است. پای صحبت‌های این نویسنده پاکستانی می‌نشینم تا حاج قاسم را از زبان یک غیر ایرانی روایت کنیم.



کرده‌ایم که رفتار حاج قاسم با افراد در کشورها و با ملیت‌های مختلف چطور بود. نقش ایشان در دوران دفاع مقدس، نقش ایشان بعد از دفاع مقدس و مبارزه با اشراک و قاچاقچیان در جنوب شرق کشور، مبارزات و نقش ایشان در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و افغانستان به صورت مفصل بحث شده و با فرماندهان سپاه قدس، سپاه بدر عراق، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین گفت‌وگو کرده‌ایم.

نوشتن کتابی درباره حاج قاسم سلیمانی ایده خود شما بود یا از جایی به شما سفارش داده شد؟

من حاج قاسم را قبل از شهادت‌شان می‌شناختم. آن زمان در پاکستان و در سازمان امامیه بودم و

داعش به سوریه آمده بود. سازمان امامیه یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های شیعه در پاکستان است که بنیانگذار آن شهید دکتر محمد علی نقوی بود و شهید علامه عارف حسین الحسینی که نماینده حضرت امام در پاکستان بودند این سازمان را سرپرستی می‌کردند. زمانی که داعش به سوریه آمد و جنگ شروع شد من معاون رئیس سازمان امامیه بودم. ما بررسی می‌کردیم که ببینیم داعش چه اهدافی دارد و چه کار می‌کند. کم‌کم اسم حاج قاسم به گوش می‌رسید که فرمانده سپاه قدس است و از طرف ایران مأموریت دارد با داعش جهاد کند. در زمان عملیات آزادی موصل در رسانه‌های پاکستان می‌گفتند ایرانی‌ها اهل سنت سوریه را می‌کشند و دوستان اهل سنت از ما می‌پرسیدند که شنیده‌ایم

آقای نقوی! شما از دانشجویان نخبه غیر ایرانی هستید که در حوزه کتاب هم فعالیت دارید. چند کتاب به رشته تحریر در آورده‌اید؟

اولین کتابم حدود شش سال پیش درباره ولایت فقیه به زبان اردو در پاکستان منتشر شد و تاکنون چند بار تجدید چاپ شده است. کتاب دیگر من «شب‌های رادیو کتاب» روایت خاطرات من در رادیو دولتی اسلام‌آباد است. سال گذشته هم کتابی درباره شهید حاج قاسم سلیمانی نوشتم که به چهار زبان فارسی، انگلیسی، اردو و عربی منتشر شده است. نام این کتاب در ایران «سرباز مکتب» و در زبان اردو به نام «مکتب سلیمانی» است که دوران کودکی تا شهادت حاج قاسم در قالب گفت‌وگو با افراد مختلف روایت شده است. با دوستان حاج قاسم، با افرادی که در مدرسه هم‌کلاسی وی بودند و افرادی که در دوران دفاع مقدس در لشکر ثارالله کرمان مسئولیت داشتند. این کتاب البته فقط شامل گفت‌وگو نیست، بلکه تحلیل و گزارش هم درباره حاج قاسم دارد. مثلاً نظرات افراد مختلف درباره حاج قاسم را تحلیل کرده‌ایم و تمام زندگی و رفتار حاج قاسم را روایت

تمام زندگی و رفتار حاج قاسم را روایت کرده‌ایم که رفتار حاج قاسم با افراد در کشورها و با ملیت‌های مختلف چطور بود. نقش ایشان در دوران دفاع مقدس، نقش ایشان بعد از دفاع مقدس و مبارزه با اشراک و قاچاقچیان در جنوب شرق کشور، مبارزات و نقش ایشان در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و افغانستان را به صورت مفصل بحث کرده‌ایم و با فرماندهان سپاه قدس، سپاه بدر عراق، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین گفت‌وگو کرده‌ایم.

در زمان عملیات آزادی موصل در رسانه‌های پاکستان می‌گفتند ایرانی‌ها اهل سنت سوریه را می‌کشند و دوستان اهل سنت از ما می‌پرسیدند که شنیده‌ایم ایرانی‌ها سنی‌های سوریه را می‌کشند، ما کنجکاو شدیم و بررسی کردیم و دیدیم که اینها اهل سنت نیستند و تکفیری هستند و می‌خواهند دولت سوریه را سرنگون کنند و مکان‌های مقدس مثل حرم حضرت زینب(س) و عتبات عالیات را تخریب کنند. ما برای دوستان اهل سنت‌مان توضیح دادیم که اینها تروریست هستند و خود دولت سوریه با کمک سپاه قدس با آنها می‌جنگد.

ایرانی‌ها سنی‌های سوریه را می‌کشند، ما کنجکاو شدیم و بررسی کردیم و دیدیم که اینها اهل سنت نیستند و تکفیری هستند و می‌خواهند دولت سوریه را سرنگون کنند و مکان‌های مقدس مثل حرم حضرت زینب(س) و عتبات عالیات را تخریب کنند. ما برای دوستان اهل سنت‌مان توضیح دادیم که اینها تروریست هستند و خود دولت سوریه با کمک سپاه قدس با آنها می‌جنگد. بعد از آن این بحث برای من جدی‌تر شد و داعش را بیشتر شناختم و حاج قاسم برای ما یک فرمانده شناخته شده بود که دارد این جنگ را مدیریت می‌کند. وقتی که داعش شکست خورد و حاج قاسم پیروزی بر داعش را اعلام کرد دیگر این ماجرا رسانه‌ای شد و حاج قاسم بیشتر شناخته شد. من یک کتابی را خوانده بودم که حاج قاسم معرفی کرده بود. کتاب الغارات که روایت ۲/۵ سال آخر حکومت امیرالمومنین(ع) است و توضیح می‌دهد که امیرالمومنین(ع) در این ۲/۵ سال چگونه با گروه‌های اموی در قلمرو حکومت اسلامی جنگیدند و چه مشکلاتی داشتند و چطور اینها به حکومت و دولت اسلامی حضرت علی(ع) ضربه می‌زدند. معاویه با اجبار کردن افراد در شهرهای مختلف، با کارهای انتحاری، دستگیری استاندارهای امیرالمومنین(ع) و تطمیع برخی دیگر با رشوه، تلاش می‌کرد تا در مسیر حکومت امیرالمومنین(ع) اختلال ایجاد کرده و سنگ‌اندازی کند. حاج قاسم این کتاب را معرفی کرده بود و من وقتی این کتاب را خواندم و ماجراهای داعش را در سوریه دیدم، متوجه شدم که انگار تاریخ دوباره در حال تکرار شدن است و همانطور که حضرت آقا فرمودند نقش حاج قاسم در این ماجرا کمتر از مالک اشتر در دوران امیرالمومنین(ع) نبود. این ماجرا را شخصاً دنبال می‌کردم. بعد از شهادت حاج قاسم به حدی من شخصیت او را می‌شناختم که شاید یک جوان ایرانی به اندازه من از حاج قاسم شناخت نداشت. به همین خاطر تصمیم گرفتم آنچه را که من از حاج قاسم می‌دانم به جوانان پاکستانی معرفی کنم تا آنها هم بدانند یک چنین شخصیتی وجود داشته است.

چه شد که تصمیم گرفتید مخاطبان این کتاب را گسترش داده و آن را به دیگر زبان‌ها هم ترجمه کنید؟

وقتی شروع به نوشتن کتاب کردم آن را به زبان اردو می‌نوشتم و یکی از دوستان فارسی زبان من وقتی متوجه نگارش این کتاب شد گفت چرا این را به فارسی ترجمه نمی‌کنید؟ بعد ایشان گفت ما می‌توانیم این کتاب را به فارسی، عربی و انگلیسی ترجمه کنیم و تصمیم بر این شد که این کتاب به چهار زبان چاپ شود. من اصلاً در آغاز کار قصد این نبود که این کتاب به زبان‌های دیگر ترجمه شود و فقط آن را برای جوان‌های اردو زبان نوشتم. اما بعدها



وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

مخصوصاً در جنگ سی‌وسه روزه، و نقش حاج قاسم در بازسازی جنوب لبنان بعد از جنگ، کمک کردن حاج قاسم به حزب الله در حوزه سایبری، نظامی، پهپادی و دفاعی بررسی شده است، در این فصل چند تا مصاحبه از مقامات حزب الله و ایران استفاده شده است.

فصل پنجم کتاب، درباره نقش حاج قاسم در فلسطین است که در ابتدا از اشغال فلسطین از سوی انگلیس و صهیونیست‌ها تا تأسیس سازمان‌های الفتح، حماس و جهاد اسلامی بررسی شده و بعداً نقش حاج قاسم در فلسطین مخصوصاً در جنگ بیست‌ودو روزه و کمک کردن حاج قاسم به حماس و جهاد اسلامی در حوزه‌های مختلف بررسی شده است، برای این فصل با دکتر خالد قدومی، نماینده حماس در ایران و دکتر ناصر ابوشریف نماینده جهاد اسلامی در ایران گفت‌وگو کرده‌ایم.

فصل ششم، درباره نقش حاج قاسم در سوریه است، در ابتدای فصل، اوضاع سوریه از زمان حافظ اسد تا بشار اسد بررسی شده و بعداً شرح داده شد که

کتاب‌های دیگر شما در چه زمینه‌ای بود؟

یک کتاب دیگر هم دارم تحت عنوان «هم‌زمان حسین» که از زبان فارسی به اردو ترجمه کردم و تکمیل شده و در حال صفحه‌آرایی است.

کتاب دیگری هم که در دست نوشتن دارم درباره مدیریت اسلامی است. الان وقتی ما تئوری‌های مدیریت را می‌خوانیم حتی تئوری‌هایی که در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شوند، تئوری‌های غربی هستند. ما الان درباره مدیریت یک تئوری منسجم نداریم، در حالی که به نظر من ما تئوری داریم اما نتوانسته‌ایم آن را استخراج کنیم و ارائه بدهیم.

فکر می‌کنید چرا در پاکستان از کتاب شما درباره حاج قاسم این همه استقبال شد؟

ببینید در دومین سالگرد حاج قاسم، «آقا» فرمودند اگر پیکر حاج قاسم را به سوریه و لبنان هم می‌بردند همین گونه استقبال می‌شد که در عراق و ایران استقبال شد. باز فرمودند اگر پیکر حاج قاسم را به پاکستان می‌بردند و شهر به شهر می‌چرخاندند همین طور استقبال می‌شد. قطعاً «آقا» نسبت به ما تعارف ندارند و می‌دانند که مردم پاکستان چقدر روحیه ضد امریکایی دارند و چقدر محور مقاومت را دوست دارند و گر نه چرا نام کشور دیگری را نیاورده‌اند. رسانه‌ها باید صحبت‌های رهبری و صحبت‌های حاج قاسم درباره پاکستان و کشورهای دیگر را به مردم منتقل کنند.

درباره محتوای کتاب «سرباز مکتب» توضیح بدهید.

کتاب «سرباز مکتب» هشت فصل دارد. در فصل اول معرفی استان کرمان، معرفی مشاهیر کرمان، معرفی زادگاه حاج قاسم یعنی روستای قنات ملک، بررسی زندگی ایشان از تولد، دوران مدرسه، سپس ایام نوجوانی و نقش ایشان در نهضت امام راحل قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مفصل توضیح داده شده است. در این فصل با سردار حسنی سعدی، مدیر گلزار شهدای کرمان که از دوستان قدیمی حاج قاسم هستند، مصاحبه شده است.

در فصل دوم، اول درباره دفاع مقدس صحبت شده است که چرا این جنگ شروع شد، چه کسانی صدام را پشتیبانی می‌کردند و اوضاع بین‌المللی آن زمان چطور بود و ملت ایران چطور جانانه در دفاع مقدس شرکت کردند، و بعداً درباره ورود ایشان به سپاه پاسداران و نقش ایشان در دفاع مقدس و تشکیل لشکر ثارالله در کرمان صحبت شده است. در این فصل با سردار مهدی صدقی، مسئول تبلیغات لشکر ثارالله در دوران دفاع مقدس مصاحبه شده است.

در فصل سوم این کتاب بعد از دفاع مقدس مبارزه حاج قاسم با اشرار و قاچاقچیان در جنوب شرق کشور و نقش ایشان در افغانستان بررسی شده است و با سرهنگ محمود مهدوی فرد، مدیر کل مرکز حفظ و نشر آثار دفاع مقدس استان کرمان مصاحبه شده است.

فصل چهارم در مورد لبنان است که در ابتدای فصل اوضاع شیعیان لبنان از زمان امام موسی صدر تا تشکیل حزب الله بررسی شده است، و بعداً اوضاع لبنان از تأسیس حزب الله تا سال ۱۹۹۸ میلادی که وقتی حاج قاسم فرمانده سپاه قدس شد، بررسی شده است، و بعداً نقش حاج قاسم در لبنان



من اصلاً در آغاز کار قصدم این نبود که این کتاب به زبان‌های دیگر ترجمه شود و فقط آن را برای جوان‌های اردو زبان نوشتیم. اما بعدها این کتاب به چهار زبان منتشر شد و استقبال زیادی هم در پاکستان از آن صورت گرفت. البته مشکلاتی هم برای من و ناشر وجود داشت اما آن چیزی را که می‌خواستیم برسانیم، رساندیم.

پاکستان و آقای حداد عادل، رئیس سابق مجلس مرا می‌شناسند و از این دو نفر می‌توانید درباره من سؤال بپرسید و به این صورت توانستم وی را به مصاحبه قانع کنم.

آیا کسانی بودند که با وجود تمام تلاش‌ها باز هم با شما همکاری نکنند؟

بله چند نفری بودند که تحت هیچ عنوان حاضر به همکاری و مصاحبه با من نشدند. البته آن مطالبی که می‌خواستیم از این افراد بپرسیم از جای دیگر گرفتیم و توانستیم این خلأ را پر کنیم و خدا را شکر که توانستیم این کتاب را بنویسیم و افکار حاج قاسم و مکتب مقاومت را به این چهار زبان منتشر کنیم. این سومین کتابم بود.

این کتاب به چهار زبان منتشر شد و استقبال زیادی هم در پاکستان از آن صورت گرفت. البته مشکلاتی هم برای من و ناشر وجود داشت اما آن چیزی را که می‌خواستیم برسانیم، رساندیم.

چه مشکلاتی؟

مشکلات از طرف دولت پاکستان وجود دارد. دولت روی حاج قاسم حساس نیست اما روی گروه‌های نظامی که در سوریه می‌جنگیدند و یکی هم پاکستانی است، حساس است. آنها به این شخصیت فقط به عنوان یک ژنرال غیر پاکستانی نگاه می‌کنند اما نگاه ما به حاج قاسم یک فرمانده سپاه اسلام و یک الگو برای نسل جوان است و ما با این نگاه ایشان را می‌بینیم. برای نوشتن این کتاب خیلی موانع در ایران هم بود.

در ایران با چه موانعی روبرو بودید؟

می‌گفتند این خارجی است و ما او را نمی‌شناسیم لذا گفت‌وگو نمی‌کردند.

دلایل امنیتی بود یا چون شما خارجی بودید؟

نه امنیتی نبود و من فکر می‌کنم چون خارجی بودم دلشان نمی‌خواست با من گفت‌وگو داشته باشند. بعداً با این افراد مصاحبه کردم و مشکل این بود که من را نمی‌شناختند. یکی از دوستان گفت من شمارا نمی‌شناسم کسی در ایران هست که شما را بشناسد؟ من گفتم بله آیت‌الله بهاء‌الدینی، نماینده رهبری در



چطور داعش به سوریه آمد و نقش حاج قاسم برای شکست دادن داعش در عملیات‌های مختلف سوریه بیان شده است، برای این فصل با سردار نوعی اقدم از فرماندهان نیروی قدس و دکتر رضانی گل‌افزانی، استاد برجسته دانشگاه دمشق مصاحبه انجام شده است.

فصل هفتم در مورد نقش حاج قاسم در عراق است، در ابتدای فصل، در مورد تشکیل سپاه بدر در عراق، بعداً اوضاع عراق در دفاع مقدس و بعد از آن در زمان صدام، اوضاع مقاومت عراق و نقش حاج قاسم در زمان اشغال امریکا، نقش حاج قاسم و ابومهدی المهندس در مبارزه با داعش در عراق و تشکیل حشدالشعبی، حضور حاج قاسم در عملیات علیه داعش در عراق مفصل بررسی شده است، برای این فصل با ابوالثیر السالم از بنیانگذاران سپاه بدر عراق و حشدالشعبی مفصل مصاحبه کرده‌ایم.

در آخرین فصل، آخرین سه روز حاج قاسم، شهادتش، واکنش ایران و واکنش‌های بین‌المللی بعد از شهادتش بررسی شده است. در آخر فصل هم وصیت‌نامه حاج قاسم و ابومهدی المهندس آمده است. برای این فصل با دکتر حداد عادل، رئیس سابق مجلس شورای اسلامی ایران و آقای اسلم بیگ، رئیس سابق ارتش پاکستان مصاحبه انجام شده است. ■



سالشمار سرگذشت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی



۱۳۶۰

در ۱۵ تیرماه ۱۳۶۰ قاسم سلیمانی در سمت جانشینی گروهان، عازم جبهه شد و در عملیات شهید چمران در ۵ مردادماه ۱۳۶۰ در شمال کرخه (جادهی آبادان-ماهشهر) از ناحیه دست مجروح گردید، سپس با دست مجروح به منطقه بازگشت و در ادامه عملیات شرکت نمود.
در آبان ماه سال ۱۳۶۰ دو گردان از نیروهای کرمانی با فرماندهی حاج قاسم سلیمانی در عملیات طریق القدس عملکرد درخشانی از خود نشان دادند. در نتیجه، شهید حسن باقری مسئولیت خطی به نام ثارالله را به وی سپرد تا با سازماندهی نیروهای پراکنده کرمانی، در مورخ ۱۳۶۰/۹/۲۱ تیپ ثارالله را فرماندهی کند.



۱۳۶۱

توانمندی حاج قاسم سلیمانی و نیروهای تحت امرش رزمندگان استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان، در عملیات فتح المبین تحسین برانگیز بود؛ لذا حکم فرمانده لشکری حاج قاسم در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۶۱ ابلاغ گردید. لشکر ۴۱ ثارالله با در اختیار داشتن سه تیپ عملیاتی، وارد عملیات والفجر مقدماتی شد.



۱۳۶۰-۱۳۶۸

لشکر پر افتخار ۴۱ ثارالله به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی طی سال های دفاع مقدس در عملیات های مختلف از جمله فتح المبین، بیت المقدس، رمضان، مسلمین عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، والفجر ۲، والفجر ۳، والفجر ۴، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۱۰، نصر ۴، والفجر ۱۰ و بیت المقدس ۷ کارنامه پرافتخاری از حماسه و ایثار و مجاهدت ثبت نمودند.



۱۳۶۷

حاج قاسم سلیمانی همزمان با فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله، با حفظ سمت در ۲۱ مهرماه ۱۳۶۷ به فرماندهی سپاه منطقه ۷ کشور منصوب گردید.



۱۳۳۵

تولد اول فروردین ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک از توابع شهرستان رابر در استان کرمان



۱۳۴۹

در ۱۴ سالگی به همراه پسرعمویش شهید احمد سلیمانی و تاج علی سلیمانی (که با هم مثل سه برادر بودند) عازم کرمان شد تا کارگری کند و بتواند ۹۰۰ تومان بدهی پدرش حاج حسن سلیمانی به بانک تعاون روستایی را جبران نماید. او پس از پنج ماه کارگری در کرمان توانست هزار تومان برای پدرش ارسال و قرض پدرش را ادا کند. او سپس برای همیشه به کرمان مهاجرت نمود و در کنار کارگری در یک هتل، هم درس می خواند و هم به طور حرفه ای ورزش (باستانی، پرورش اندام و کاراته) می کرد.



۱۳۵۳

از کار در هتل بیرون آمد و در سازمان آب کرمان در بخش کنتور خوانی مشغول کار شد.



۱۳۵۵

مشارکت در فعالیت های مذهبی و انقلابی به خصوص در مسجد جامع کرمان.



۱۳۵۸

از سال ۱۳۵۸ یک سال به صورت افتخاری با سپاه پاسداران همکاری می کرد.



۱۳۵۹

سرانجام در مرداد ۱۳۵۹ رسماً لباس سبز پاسداری را به تن کرد. همراه با جمعی از پاسداران به حفاظت از فرودگاه کرمان پرداخت. پس از گذراندن دوره آموزشی در تهران، مسئولیت آموزش رزمندگان کرمانی را برعهده گرفت.



۱۳۷۹



نمره راهبری و هدایت جبهه مقاومت توسط حاج قاسم سلیمانی به ثمر نشست و در خرداد ۱۳۷۹ پس از شکست‌های پیاپی کشورهای عربی از رژیم غاصب صهیونیستی، اولین شکست اسرائیل در منطقه پس از شکل‌گیری دولت غاصب صهیونیستی، به دست نیروهای حزب الله لبنان محقق گشت و باعث فرار صهیونیست‌ها از جنوب لبنان گردید.

۱۳۸۴



حضور مؤثر و میدانی سردار سلیمانی در جنگ ۲۳ روزه حزب‌الله لبنان علیه تهاجم رژیم غاصب صهیونیستی.

۱۳۸۷



جنگ ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌دفاع غزه، آوردگاه دیگری بود که با تدابیر سردار سلیمانی منجر به پیروزی مقاومت و عقب‌نشینی اسرائیل از تهاجم گردید.

۱۳۸۹



اعطای درجه سرلشکری از سوی مقام معظم رهبری و فرماندهی معزز کل قوا.

۱۳۹۱



در حالی که گروه‌های تروریستی تحت حمایت امریکا، اسرائیل و برخی کشورهای عربی حمله گسترده‌ای را برای سقوط پایتخت سوریه تدارک دیده بودند، حاج قاسم سلیمانی با حضور در دمشق و انسجام گروه‌های مقاومت مردمی و فعالیت‌های مستشاری جهت تقویت ارتش سوریه توانست مانع پیشروی تروریست‌ها به سمت حرم حضرت زینب(س) و همچنین مانع از سقوط دمشق شود.

۱۳۹۳



فرمانده جبهه مقاومت و مقابله با هجوم داعش به شمال کشور عراق با تشکیل نیروهای بسیج مردمی (الحشد الشعبي) سال ۱۳۹۶ / اعلام پایان حکومت داعش در عراق و سوریه.

۱۳۹۷

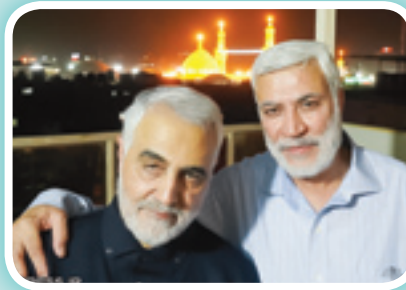


دریافت نشان عالی ذوالفقار از مقام معظم رهبری و فرماندهی معزز کل قوا.

۱۳۹۸



ترور حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به همراه هشت نفر از رزمندگان در ساعت ۱:۲۰ نیمه شب ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ به دستور مستقیم رئیس‌جمهور امریکا. تشییع باشکوه شهدای ترور در عتبات عراق و شهرهای ایران. تدفین در گلزار شهدای کرمان.



۱۳۶۸-۱۳۶۹



مأموریت حاج قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در جبهه‌های جنوب، دو سال پس از پذیرش قطعنامه و تا سال ۱۳۶۹ ادامه داشت. در ۲۱ آذرماه ۱۳۶۸ به فرماندهی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه که جهت مقابله با اشراق مسلح ایجاد شده بود، منصوب گردید.

۱۳۷۰-۱۳۷۴



حاج قاسم سلیمانی در مقام فرماندهی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه، طی عملیات‌های مختلف علیه اشراق جنوب شرق کشور نسبت به برقراری امنیت مردم و خلع سلاح اشراق اقدام نمود.

۱۳۷۵



حاج قاسم سلیمانی از سال ۱۳۷۵ بر فعالیت‌های فرهنگی جهت ثبت و ضبط خاطرات مربوط به ۸ هزار شهید استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان متمرکز گردید. ساخت نخستین موزه تخصصی دفاع مقدس در کرمان، گردآوری اسناد و متعلقات مربوط به شهدای عظیم‌الشان و انتشار دهها عنوان کتاب از جمله بخش‌های مختلف اقدامات فرهنگی سردار سلیمانی در این سال‌ها بوده است که ثمرات آن تاکنون نیز جاری است.

۱۳۷۶



مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۵ طی حکمی حاج قاسم سلیمانی را به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب فرمودند. اگرچه وی همزمان تا خرداد ۱۳۷۷ مسئولیت قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه و فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله را نیز بر عهده داشت. حضور حاج قاسم در نیروی قدس مصادف با تصرف بخش عمده‌ای از کشور افغانستان، توسط طالبان و حاکمیت آنان بر این کشور بود. درایت سردار سلیمانی و مدیریت وی باعث جلوگیری از جنگی فرسایشی گردید که توسط امریکا و بعضی از کشورهای منطقه جهت ورود ایران به باتلاق افغانستان طرح‌ریزی شده بود.



نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم؛ چه آنهایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم، اینکه عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه فدا می‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌ها پتان به نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرّم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است.



گزارش میدانی خبرنگار روزنامه «جوان» در کرمان از مزار سردار سلیمانی

حاج قاسم به ما آرامش می‌دهد

پایین می‌آیند تا هر چه زودتر خود را به حلقه زائرانی برسانند که گرد مزار حاج قاسم جمع شده‌اند. پیر و جوان، کوچک و بزرگ و زن و مرد، دستی روی سنگ سفیدرنگ مزار او می‌کشند. عده‌ای سنگ مزار را می‌بوسند، اشک می‌ریزند و برای دقایقی در کنار مزار حاج قاسم می‌ایستند یا می‌نشینند و دلشان را به سردار دل‌ها می‌سپارند.

برای زائران مزار سردار دل‌ها و دیگر شهدای گلزار شهدای کرمان، حال و هوای خاص و آرامش‌بخش این مکان لذت‌بخش است. این آرامش را می‌توان در چهره تک‌تک کسانی که در اطراف مزار حاج قاسم نشسته‌اند و به مزار او چشم دوخته‌اند، به راحتی مشاهده کرد.

وقتی از حاج قاسم حاجت می‌گیری

آسمان گلزار شهدای کرمان در غروب روز جمعه مملو از تکه‌های کوچک ابرهای سفیدرنگی است که با پرتوهای سرخ‌رنگ خورشید هنگام غروب، زیبایی خاصی پیدا کرده‌اند.

در حال تماشای زیبایی آسمان هستیم که ناگهان صدایی از پشت سر مرا به سمت خود می‌خواند، آواز این آسمان زیبا هم‌عکس بگیر، جوری که گلدسته‌های مسجد هم در عکس مشخص شود.

سرم را برمی‌گردانم و نگاهش می‌کنم. مردی جوان و لاغر اندام است. اسمش محمدحسین قربانی کیا و ۴۳ ساله است. محمدحسین هر زمان که برای خواندن فاتحه سر قبر پدر مرحومش می‌آید، به زیارت مزار حاج قاسم هم می‌رود. او از خاطرات و مشاهداتش طی این سه سالی که به زیارت مزار حاج قاسم می‌آید، می‌گوید.

حکمت قاسم خانی

این روزها همه جا سخن از کرمان است، شهری که طی سه سال گذشته پذیرای خیل عظیم زائران و دوستداران حاج قاسم از سراسر ایران و کشورهای مختلف است. اکنون در سومین سالگرد شهادت این سردار بزرگ اسلام، شهر کرمان حال و هوای خاصی دارد. مردم و مسئولان دیار کریمان خود را برای میزبانی از میهمانان حاج قاسم آماده کرده‌اند. برای رسیدن به گلزار شهدای کرمان، جایی که طی سه سال گذشته میزبان هزاران نفر بود باید به سمت شرق شهر برویم. گلزار شهدای کرمان در دامنه کوه‌های صاحب‌الزمان این شهر و در کنار مسجدی به همین نام واقع شده است. جایی که اطراف آن را جنگل قائم با انبوه درختان سر به فلک کشیده کاج فرا گرفته است. در مسیر بزرگراه امام خامنه‌ای شهر کرمان، درست در کنار گنبد تاریخی جبلیه یک تقاطع غیر هم‌سطح وجود دارد که مسیر زیرگذر آن به گلزار شهدای کرمان منتهی می‌شود. مسیری که وقتی از زیرگذر خارج می‌شوی، نخستین تصویری که مشاهده می‌کنی، گنبد و گلدسته‌های زیبای مسجد صاحب‌الزمان است که از دور خودنمایی می‌کند. مسجدی که مردم شهر کرمان احترام خاصی برای آن قائل هستند و در اکثر روزهای هفته به ویژه روزهای پنج‌شنبه و جمعه شاهد حضور جمعیت کثیری از مردم در این مکان هستیم. طی چند هفته گذشته در گلزار شهدای کرمان و محوطه اطراف آن عملیات متعدد عمرانی برای زیباسازی و فراهم آوردن امکانات مورد نیاز زائران، انجام شده و هنوز هم کارگران شبانه‌روز در حال فعالیت برای رفع مشکلات و کمبودها و ایجاد زیرساخت‌های لازم در این منطقه هستند.

حاج قاسم گرمابخش جسم و روح زائران

عصر جمعه دومین روز از نخستین ماه فصل زمستان است که خودم را به گلزار شهدای کرمان می‌رسانم. مکانی که طی سه سال گذشته و از زمانی که پیکر شهید حاج قاسم سلیمانی بنا به وصیتش در کنار قبر دوست و هم‌زم شهیدش یوسف‌الهی به خاک سپرده شده، هیچگاه خلوت نشده است.

قدم در راه‌پله ورودی گلزار شهدای کرمان که می‌گذارم، خیل عظیم جمعیت مثل همیشه توجهم را جلب می‌کند.

هوا سرد است و سوز سرمایی که از سمت دامنه کوه صاحب‌الزمان شروع به وزیدن می‌کند، تن هر آدمی را می‌لرزاند، اما اینجا وجود مزار حاج قاسم و دیگر شهدایی که در جوار او دفن شده‌اند، گرمابخش جسم و روح زائران است.

در امان باشند و در این مکان به زیارت شهدا و برپایی نماز بپردازند. اما اینجا انگار کسی سرما را احساس نمی‌کند و همگی پله‌های ورودی گلزار شهدا را با شورش و هوا و بارش نزولات جوی، زائران از گزند سردی هوا

با سرد شدن هوا در فاصله چند متری مزار سردار سلیمانی و درست روبه‌روی آن، یک خیمه بزرگ روی بخشی از قبور شهدا برپا شده است تا با توجه به سردی هوا و بارش نزولات جوی، زائران از گزند سردی هوا

اینجا انگار کسی سرما را احساس نمی‌کند و همگی پله‌های ورودی گلزار شهدا را با شورش و حال خاصی پایین می‌آیند تا هر چه زودتر خود را به حلقه زائرانی برسانند که گرد مزار حاج قاسم جمع شده‌اند. پیر و جوان، کوچک و بزرگ و زن و مرد، دستی روی سنگ سفیدرنگ مزار او می‌کشند. عده‌ای سنگ مزار را می‌بوسند، اشک می‌ریزند و برای دقایقی در کنار مزار حاج قاسم می‌ایستند یا می‌نشینند و دلشان را به سردار دل‌ها می‌سپارند.



خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه چیزی دارند! و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آنها را به سمت بلند کردم، وقتی آنها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ اینها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی.



در صف می ایستند.

در حال تماشای چند زائر پاکستانی هستیم که در حال گرفتن عکس یادگاری با عکس حاج قاسم هستند که یکی از آنها توجهم را جلب می کند. مردی مسن که کلاه کاپیشش را از سردی هوا روی سرش انداخته و به سمت مهدیه مسجد صاحب الزمان (عج) حرکت می کند. به دنبالش می روم و در کنار مزار شهدای گمنام او را صدا می زنم. خودم را معرفی و او را به گفت و گویی کوتاه دعوت می کنم.

اسمش سیدمنور لیناقوی از شیعیان شهر کراچی پاکستان است که به همراه حدود ۹۰ نفر دیگر از هموطنانش برای زیارت مزار سردار سلیمانی، حرم حضرت معصومه (س) و حرم امام رضا (ع) به ایران آمده اند. سیدمنور می گوید: خدا را شکر می کنیم زیارت مزار را از مزار شهید سلیمانی آغاز کردیم تا در این زمان مزار مبارک این فرزند رشید اسلام را زیارت کنیم. وی ادامه می دهد: همچنان که امام خمینی (ره) مذهب شیعه و اسلام را احیا کردند، سردار شهید سلیمانی اسلام، جهاد، غیرت، استقامت و شجاعت را احیا کرد، در حالی که بعد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دنیا جهاد و مقاومت را فراموش کرده بود.



وی می افزاید: همانگونه که امام خامنه ای فرمودند، سردار سلیمانی مالک اشتر زمان بود. خداوند توفیق زیادی به ایشان داد و او نعمت خداوندی را شکر گزار بود و با تقوای خود و با لشکر تحت امرش همه ممالک اسلامی را که در گیر جنگ با کفار و داعش بودند، حفظ کرد. وجود ایشان یک لطف الهی برای کشورهای اسلامی بود. سیدمنور می گوید او و دیگر زائران پاکستانی همراهش برای زیارت مزار حاج قاسم، حضرت معصومه و امام رضا (ع) نیت کرده بودند و شاید این همان فرموده رسول خدا (ص) باشد که فرمودند هر کس که به مدینه بیاید و من را زیارت کند، اما قبر جعفر طیار را زیارت نکند، به من ستم کرده است و اگر ما که برای زیارت امام رضا (ع) به ایران آمده ایم، مزار سردار سلیمانی را زیارت نمی کردیم ستم کرده بودیم.



وی ادامه می دهد: الحمدلله روحانیون پاکستانی بسیار فعال هستند و برای مسلمانان این کشور رشادت های شهید سلیمانی را بازگو می کنند، به گونه ای که من اگرچه سردار سلیمانی را از نزدیک ندیده ام، اما ایشان را کامل می شناسم. این زائر پاکستانی مزار حاج قاسم می گوید: من وقتی که برای اولین بار سر مزار سردار سلیمانی حضور یافتم، دست گناهکار خودم را روی سنگ قبر ایشان گذاشتم و گفتم حاج آقا وقتی امام زمان (عج) ظهور کنند شما حتماً از قبر خود بیرون می آید و امام را مشایعت می کنید و من از شما می خواهم در آن زمان شفاعت من را نزد امام زمان (عج) بکنید.



گفت و گوی کوتاه من با این زائر پاکستانی که پایان می یابد، مراد آغوش می گیرد و می گوید خوش به حال شما که مزار حاج قاسم را در شهر خود دارید. از سیدمنو خداحافظی می کنم و به سمت پله های خروجی گلزار شهدا می روم. صدای اذان از گلدسته های مسجد صاحب الزمان در فضای گلزار شهدا می پیچد و زائرین در حال گرفتن وضو برای اقامه نماز هستند. آسمان را ابرهای سیاه پوشانده اند، انگار قرار است در شب نخستین جمعه دی ماه، آسمان قطرات باران را روانه زمین کند و حال و هوای مزار سردار دل هارا لطافتی دیگر بخشد. ■



اسمش غلام رسول است و فامیلش برزکار. ۵۴ سال سن دارد و اهل شهر سستان ایران شهر استان سیستان و بلوچستان است. از زمانی که حاج قاسم شهید شده بارها به زیارت مزارش آمده است. از حس و حالش وقتی به زیارت مزار حاج قاسم می آید و سبک شدن و فراموش کردن مشکلاتش می گوید: با توجه به اینکه من خودم از رزمندگان لشکر ۴۱ ثارالله در زمان جنگ بودم و در ۱۶ سالگی در عملیات آزادسازی مهران شرکت کردم، علاقه خاصی به سردار سلیمانی که فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در زمان جنگ با عراق بود، دارم و این یک ساعتی که برای زیارت در این مکان می گذرانم، حس زیبایی دارم. «احساس آرامش»، این عبارتی است که در صحبت های تمامی زائران مزار حاج قاسم می توانی بشنوی، همانند رضا قدرملکی ۳۱ ساله که می گوید گلزار شهدای کرمان تنها مکانی در این شهر است که دوست دارد به آنجا بیاید

از زائرانی سخن می گوید که از نقاط مختلف به اینجا آمده اند و از حاج قاسم حاجت می خواستند. نگاهش را به نگاهم گره می زند و می گوید: از ته دل می گویم، من خودم دو بار از حاج قاسم حاجت گرفتم و کاری را که غیر ممکن بود برایم ممکن کرد. من هر زمان سر مزار حاج قاسم می آیم، سبک می شوم و گرفتاری هایم را فراموش می کنم و امیدوار می شوم. وی ادامه می دهد: ترامپ نماد مبارزه با داعش را به شهادت رساند و حالا امریکایی ها در حالی ادعای آزاد کردن مردم ایران را دارند که ملت ایران سال ۵۷ خود را آزاد کرده است. آنها تنها به دنبال منافع خودشان هستند.

محمدحسین می افزاید: من وقتی سخنان حاج قاسم را می شنوم، انگار آینده را می بیند، راهی که او ترسیم کرده همان راه خداست.

برای زائرین مزار سردار دل ها و دیگر شهدای گلزار شهدای کرمان، حال و هوای خاص و آرامش بخش این مکان لذت بخش است. این آرامش را می توان در چهره تک تک کسانی که در اطراف مزار حاج قاسم نشستند و به مزار او چشم دوخته اند به راحتی مشاهده کرد.

محمد محمدی یکی از خادمان جوان گلزار شهدای کرمان است که به خاطر حاج قاسم خادم این گلزار شده است. او می گوید: من هر وقت قدم به گلزار شهدای کرمان می گذارم، حس و حال خاصی دارم. یک معنویت خاصی وجود دارد که من را دل بسته اینجا کرده است.

«احساس آرامش»، این عبارتی است که در صحبت های تمامی زائران مزار حاج قاسم می توانی بشنوی، همانند رضا قدرملکی، ۳۱ ساله که می گوید: گلزار شهدای کرمان تنها مکانی در این شهر است که دوست می دارم به آنجا بیایم و در این مکان حالم خوب می شود.

و در این مکان حال دلش خوب می شود. **نیت زائرین پاکستانی برای زیارت مزار حاج قاسم**

در بین زائران مزار سردار دل ها از کشورهای دیگر نیز هستند. زائرانی که با زبان و گویش خاص خود بر سر مزار حاج قاسم حضور می یابند و با او گفت و گو می کنند و حتی برای گرفتن عکس یادگاری با عکس حاج قاسم که در چند نقطه از گلزار شهدای کرمان نصب شده است

جوانی که به عشق حاج قاسم خادم مزارش شد

در محوطه گلزار شهدای کرمان، خادمین زیادی هستند که به عشق حاج قاسم و دیگر شهدای این گلزار در حال خدمت رسانی به زائران هستند. خادم هایی که هر کدام از آنها خاطرات زیادی از زائران مزار سردار دل ها دارند. محمد محمدی، یکی از خادمان جوان گلزار شهدای کرمان است که به خاطر حاج قاسم خادم این گلزار شده است. او می گوید: من هر وقت قدم به گلزار شهدای کرمان می گذارم، حس و حال خاصی دارم. قبل از شهادت حاج قاسم همیشه پنجشنبه و جمعه ها به اینجا می آمدم، اما از زمانی که بیکر سردار سلیمانی در اینجا به خاک سپرده شد، در هر فرصتی به اینجا می آیم. در گلزار شهدا یک حس و حال و معنویت خاصی وجود دارد که من را دل بسته اینجا کرده است تا اینکه افتخار نصیبم شد خادم این گلزار شوم و بتوانم به زائران این شهدا و حاج قاسم خدمت کنم.

احساس آرامش در جوار حاج قاسم

درست روبه روی ایستگاه، چای صلواتی که در محوطه گلزار شهدا برپا شده است، مردی میانسال بالباس بلوچی توجهم را جلب می کند. بخار گرمای لیوان چایی که در دستش گرفته به صورتش می خورد و با آرامش خاصی در حال نوشیدن چای بود.



محمدحسین هر زمان که برای خواندن فاتحه سر قبر پدر مرحومش می آید، به زیارت مزار حاج قاسم هم می رود. او از زائرینی سخن می گوید که از نقاط مختلف به اینجا آمده اند و از حاج قاسم حاجت می خواستند. نگاهش را به نگاهم گره می زند و می گوید: از ته دل می گویم من خودم دو بار از حاج قاسم حاجت گرفتم و کاری را که غیر ممکن بود برایم ممکن کرد. من هر زمان سر مزار حاج قاسم می آیم، سبک می شوم و گرفتاری هایم را فراموش می کنم و امیدوار می شوم



برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ بنابراین چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [آباد] به دور از هر گونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را راهان کنید.

گفت و گوی «جوان» با سردار نظری، فرمانده سپاه کرمان

حاج قاسم می‌گفت دوست دارم کرمان همیشه با ولایت بماند

و استان کرمان و نیز به ملت ایران و همچنین به جبهه بین المللی مقاومت چه می‌دانید؟

بی شک خدمات ارزشمند حاج قاسم سلیمانی شامل جهان اسلام شده است و جبهه مقاومت از خدمات بی دریغ ایشان بیشترین بهره را برده‌اند. به طور کلی بزرگ‌ترین و با عظمت‌ترین خدمتی که این شهید سعید به جهان اسلام به‌ویژه جبهه بین المللی مقاومت کرد، ریشه کن کردن توطئه قرن یعنی شجره خبیثه داعش بود. توطئه‌ای که به وسیله آن دنبای استکبار قصد داشت اسلام را در منطقه ریشه کن نمایند و در پی آن به کشورهای متحد محور مقاومت ضربه نهایی را بزنند که هوش و ذکاوت حاج قاسم موجب شد نقشه شوم دشمنان به شکست بینجامد.

کار ارزشمند حاج قاسم سلیمانی برای استان کرمان و مردم کرمان نیز همان بنیانگذاری لشکر همیشه پیروز، ۴۱ ثارالله است که همچنان خدمات ارزشمندی در دفاع از مرزهای ایران اسلامی ارائه می‌کند و بزرگ‌ترین درس بزرگ ایشان به مردم کرمان و نیز ملت ایران همان صدق و صفا و ولایت‌مداری حاج قاسم عزیز بود و حتی وصیت کرد که دوست دارم کرمان همیشه با ولایت بماند.

یکی از ویژگی‌های حاج قاسم که رهبر معظم انقلاب هم به آن تصریح کرد این بود که در مسائل داخلی به شدت انقلابی بود اما اهل حزب و جناح نبود. مادر کرمان شخصیت‌های معروفی از هر دو جناح کشور داریم که شهید سلیمانی از تباطؤ نزدیکی با آنها داشت. این ویژگی ایشان را چگونه تبیین می‌کنید.

شهید سلیمانی عزیز تأکید داشت که هیچ راهی بهتر از حمایت از انقلاب و انقلابی بودن نیست. عاقبت بخیری هم در همین مسیر حمایت از انقلاب و نظام به دست می‌آید. خودش هم در این راه عاقبت بخیر شد. برای شهید سلیمانی فقط حفظ آبروی نظام و انقلاب اهمیت داشت و هیچ زمانی مسائل نظام را با مسائل حزبی و جناحی گره نمی‌زد و همواره سعی بر این داشت که در جهت منویات ولی زمان خود برای سربلندی کشور، اسلام و انقلاب گام بردارد. فرا جناحی بودن این مرد بزرگ تاریخ انقلاب یکی از خصوصیات و ویژگی‌های بارز ایشان بود و حفظ اتحاد و پرهیز از قطب بندی‌های کاذب در کشور، مهم‌ترین توصیه شهید سلیمانی و مهم‌ترین خطر را برای کشور تعمیق تفرقه و پراکندگی نیروهای موثر جامعه می‌دانست و تأکید داشت برای حفظ ثبات،



“

سردار سلیمانی الگوی راستین پاسداری از دین، ارزش‌ها و کیان اسلام و نمونه یک انسان مؤمن بصیر، ولایتی، انقلابی، دشمن‌شناس، شجاع و مجاهد فی سبیل الله بود که از قدرت سازماندهی بالایی برخوردار بود و بر قلوب انسان‌های آزاده فرماندهی می‌کرد ایشان انسانی متفکر، تیزبین، هوشمند، خلاق، آینده‌نگر و در عین حال فردی بسیار عاطفی، مهربان مردمی و متواضع بود

سفر می‌کرد. عشق به اهل بیت (ع) یکی دیگر از ویژگی‌های بارز و ابعاد شخصیتی این شهید بزرگوار بود. تا جایی که حضرت زهرا (س) عشق می‌ورزید که منزل شخصی اش را وقف حضرت کرد و هر ساله در ایام فاطمیه یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین مراسم عزاداری حضرت صدیقه طاهره (س) در زمان حیات این شهید در منزل ایشان برگزار می‌شد. بعد از شهادت ایشان بیت الزهرا (س) مأمن دوستان و دلدادگان و هم‌زمان حاج قاسم عزیز و حتی آحاد مردم از اقصی نقاط ایران شده است.

مهم‌ترین خدمات حاج قاسم را به مردم

صغری خیل فرهنگ سردار شهید سلیمانی اگر چه یک شخصیت ملی و جهانی است اما بیشتر از هر جایی ما به فخر و مباهات مردم زادگاه خود کرمان است. او توجه ویژه‌ای به مردم این استان داشت و این در وصیتش هم نمود پیدا کرد. آنجا که تأکید داشت مرا در گلزار شهدای کرمان و در جوار شهید یوسف الهی به خاک بسپارید. حالا کرمان با مزار حاج قاسم، به تعبیر فرمانده سپاه استان، تبدیل به «جهانشهر» شده است. کرمانی‌ها از هر طیف و جناحی به سردار دل‌ها ارادت می‌ورزند، همچنان که او در زمان حیاتش با همه آنها ارتباط داشت. در خصوص رازها و دستاوردهای این ارتباط دو سویه با سردار محمد علی نظری، فرمانده سپاه ثارالله کرمان به گفت‌وگو نشستیم.

تأثیر شخصیت حاج قاسم در وضعیت سیاسی اجتماعی و فرهنگی استان کرمان در زمان حیات و بعد از شهادت چگونه بوده و هست؟

همه، لشکر ۴۱ ثارالله کرمان را که از ابتکارات و افتخارات این مرد بزرگ در دوران دفاع مقدس بود، می‌شناسند. یکی از افتخارات کرمان نیز همین لشکر ثارالله است که یادگار حاج قاسم عزیز است. عملکرد لشکر تحت فرماندهی حاج قاسم در دوران دفاع مقدس و حتی بعد از آن در راستای ایجاد امنیت جنوب شرق کشور و امر سازندگی کشور بعد از جنگ درخشان است. تأثیر خدمات ارزشمند حاج قاسم برای نظام و انقلاب نه اینکه در وضعیت فرهنگی و اجتماعی استان کرمان بلکه برای کشور عزیزمان و حتی منطقه و جهان نیز به وضوح پیداست. مزار حاج قاسم در قلب گلزار شهدای کرمان بعد از شهادت ایشان، حالا دیگر از کرمان جهانشهری به بزرگی جبهه مقاومت جهان اسلام ساخته است و کرمان میعادگاه دلدادگان مکتب شهادت و ایثار و رشادت شده که همان مکتب شهید سلیمانی عزیز است.

کدام بعد شخصیت حاج قاسم برای مردم کرمان برجسته و مورد توجه بوده و هست؟

حاج قاسم به‌رغم مشغله کاری بسیار زیاد توجه خاص و ویژه‌ای به خانواده شهید به‌ویژه فرزندان و پدران و مادران شهید که در قید حیات بودند داشت. در میانه ماموریت‌ها و کارهای زیادی که ایشان درگیر آنها بود، اما به عشق دیدار با خانواده شهید و فرزندان شهید مرتب به کرمان

از افتخارات کرمان همین لشکر ثارالله است که یادگار حاج قاسم عزیز است. عملکرد لشکر تحت فرماندهی حاج قاسم در دوران دفاع مقدس و پس از آن در راستای ایجاد امنیت در جنوب شرق کشور و سازندگی کشور پس از جنگ درخشان است

مزار حاج قاسم در قلب گلزار شهدای کرمان، از کرمان جهانشهری به بزرگی جبهه مقاومت جهان اسلام ساخته است و کرمان میعادگاه دلدادگان مکتب شهادت و ایثار و رشادت شده که همان مکتب شهید سلیمانی عزیز است.

هر ساله در ایام فاطمیه یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین مراسم عزاداری حضرت صدیقه طاهره (س) در زمان حیات شهید سلیمانی در منزل ایشان برگزار می‌شد. بعد از شهادت ایشان بیت الزهرا (س) مأمن دوستان و دلدادگان و هم‌زمان حاج قاسم عزیز و حتی آحاد مردم از اقصی نقاط ایران شده است.



خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند.

در گفت و گو با زائران سردار سلیمانی مطرح شد

شوق زیارت مزار حاج قاسم جهانی است

■ معصومه ایمانی

برای بسیاری که دل بسته حاج قاسم شده اند، سختی راه و بعد مسافت نمی تواند مانع زیارت معشوق شود، سعادتی که در این سه سال نصیب بسیاری از عاشقانش شد؛ آنهایی که با شور و حال خاصی از دور ترین نقطه، خودشان را به گلزار شهدای کرمان رساندند، اما این عشق و شور دیدار نه فقط در میان مردم کشورمان که در میان بسیاری از دوستداران او از بلاد دور و نزدیک وجود دارد و همین عشق آنان را تا مزار حاج قاسم کشانده است. مردمانی از ۷۰ کشور جهان تا به امروز زائر مزار سردار دل ها شده اند. قطعاً این زیارت آرزوی بسیاری دیگر است که برای آن لحظه شماری می کنند. در این گزارش پای صحبت کسانی نشستیم که روزی زائر مزار حاج قاسم شهید بوده اند و به پاس زندگی سراسر جهادی و مردمی و شهادت مظلومانه اش، مقابلش سر تعظیم فرود آوردند. حس و حال این زائران شنیدنی است.

■ مطالعه کتاب شهید یوسف الهی مرا مشتاق زیارت کرد

سید مهدی موسوی اهل کرج، کارشناسی ارشد IT است و در حوزه GIS فعالیت می کند. او از اولین لحظات حضور تاز زیارت حاج قاسم چنین می گوید: «من از زمان شهادت حاج قاسم خیلی دوست داشتم به کرمان و به زیارت ایشان بروم. این اشتیاق بعد از حضور در کاروان راهیان نور امسال بیشتر هم شد. ابتدا قصد داشتم در ۱۳ فروردین از همان جنوب کشور به کرمان بروم، اما به علت نزدیکی ماه مبارک رمضان نتوانستم، اما خالصانه

عطر حاج قاسم را با خود داشت. توصیف بیت الزهرا (س) (منزل حاج قاسم) را زیاد شنیده بودم. در ابتدا به آنجا رفتم. بیت الزهرا قبل از اینکه تبدیل به حسینیه عاشقان اهل بیت (ع) شود، منزل شخصی سردار سلیمانی بود. خانه ای که قدم به قدمش رنگ و عطر حاج قاسم را داشت. ارادت او به اهل بیت (ع) و به ویژه حضرت زهرا (س) را می شد از کتیبه ها و پارچه های مشکی که بر در و دیوار حسینیه آویخته بود، احساس کرد. حسینیه با زیلوهای ساده که شبیه اش را در حسینیه امام خمینی (ره) می بینی مفروش شده بود. دیوارهای



خواستم تا این امکان فراهم آید. در این مدت یکی از دوستان چند بار از مزار حاج قاسم با من تماس گرفت، همین تماس ها و انتقال حس و حال معنوی مزار ایشان از پشت خطوط تلفن، شوقم را برای زیارت بیشتر کرد. مخصوصاً بعد از مطالعه کتابی در مورد شهید یوسف الهی، شهیدی که حاج قاسم اصرار داشت در جوارش به خاک سپرده شود، اشتیاقم را مضاعف کرد. اواخر بهار بود که از دفتر فرمانداری فاریاب (شهری در استان کرمان) با من تماس گرفتند تا برای راه اندازی یک اتاق وضعیت از شهرستان به فاریاب بروم. برنامه سفر این بود که باید ابتدا به کرمان و از آنجا به فاریاب می رفتم. برای من که مدت ها در اندیشه سفر به کرمان و زیارت مزار حاج قاسم بودم، فرصتی بود که بادل و جان به استقبالش رفتم.

■ بیت الزهرا ی حاج قاسم

زائر حاج قاسم ادامه می دهد: روز موعود فرارسید. عصر روز سه شنبه ای که کرمان رسیدم، اشتیاق عجیبی داشتم برای دیدن نشانه هایی که همگی

حسینیه با تصاویر شهدا مزین شده بود. ضریح شهید گمنام، آثاری از حرم حسینی، سقف و محرابی با گچ بری های ساده و زیبا، همه و همه بر جذابیت و معنویت حسینیه افزوده بود.

■ آغوش پدران حاجی

از در و دیوار بیت الزهرا (س) بوی بهشت به مشام می رسید. نمازی خواندم و نزدیک غروب عازم گلزار شهدای کرمان شدم. آسمان سرخ گلزار و نوای ملکوتی اذان که لایه لای مزار شهدا طنین انداز شده بود، حس و حالی عجیب بر دلم نشاناند. از دوستی سراغ مزار حاج قاسم را گرفتم. به مسجدی اشاره کرد که مزار سردار شهید، پشت آن قرار داشت. به سمت مزار رفتم. در مرکز گلزار شهدا، مزار سفید رنگ زیبایی جلوه گری می کرد، خودش بود، مزار حاج قاسم. باور کردنی نبود من امروز اینجا ایستاده ام درست در چند قدمی حاج قاسم.

حاجی در میان شهدای همزرم و رفقای سال های دورش جای گرفته بود، چقدر این حس را دوست داشتم. | بقیه در صفحه ۱۵



مانند فرزندان خود می دانست. ایشان دیدگاه باز و پدرا نه ای نسبت به مقوله حجاب داشت. او دیدگاه های تنگ نظرانه و تقسیم جامعه به بی حجاب و با حجاب و کم حجاب را بر نمی تافت و معتقد بود که همه اینها خانواده ما هستند. او معتقد بود که این تقسیم بندی ها خلاف منافع ملی است، ایشان می گفت اینکه مدام در جامعه بگویم اوبی حجاب و این بی حجاب است یا اصلاح طلب و اصولگراست، پس چه کسی می ماند؟ اینها همه مردم ما هستند. آیا همه مثل هم هستند؟ دیدگاه حاج قاسم در این مورد دقیقاً دیدگاه امامین انقلاب است و این نگاه و دیدگاه در حال حاضر که دشمن در مسئله حجاب روی کشور ما بسیار تمرکز کرده است می تواند یک نگاه راهبردی برای مسیولان فرهنگی کشور در مواجهه با مسئله حجاب باشد. قطعاً دیدگاه مسئولین مربوطه هم همین دیدگاه است. اما نباید از این غافل شویم که دشمن با تمام قوا در این میدان حاضر شده است و ما باید با ظرافت خاصی نقشه دشمن را برای مردم تبیین نماییم.

به نظر شما راز محبوبیت حاج قاسم چیست؟

سردار سلیمانی الگو راستین پاسداری از دین، ارزش ها و کیان اسلام و نمونه یک انسان مؤمن بصیر، ولایی، انقلابی، دشمن شناس، شجاع و مجاهد فی سبیل الله بود که از قدرت سازماندهی بالایی برخوردار بود و بر قلوب انسان های آزاده فرماندهی می کرد ایشان انسانی متفکر، تیزبین، هوشمند، خلاق، آینده نگر و در عین حال فردی بسیار عاطفی، مهربان مردمی و متواضع بود. رمز محبوبیت بی نظیر این فرمانده دوست داشتنی بین اغلب ملت ها و حتی مردم اقصی نقاط جهان با مذاهب و نژادهای مختلف در ساخت بندگی خداوند تبارک و تعالی و اخلاص است که او را محبوب دل ها کرد. حاج قاسم با نگاه محبت آمیز به انسان ها می نگریست. افراد فارغ از رنگ، نژاد و قومیت در نزد او ارزشمند بودند. عجیب است همانطور که رزمندگان لشکر ثارالله و مردم کرمان و ایران سر بلند به ایشان عشق می ورزیدند، رزمندگان جبهه مقاومت نیز به ایشان ارادت داشتند. ■

نیازمند تقویت همگرایی و پرهیز از واگرایی هستیم و در جهت کمک به جذب حداکثری و دفع حداکثری برای انقلاب همواره در کنار ارتباط بسیار خوب و صمیمی که با همه داشت سعی می کرد با افراد به ظاهر غیر انقلابی هم رابطه صمیمانه برقرار کند. بر همین مبنا در طول حیات طیبیه خود و هم پس از شهادت سرمایه بی بدیلی برای نظام شد که تا سالیان سال می توان از آن بهره برد.

ویژگی اهل حزب و جناح نبودن در مراسم تشییع حاج قاسم هم نمود پیدا کرد و افراد از همه جناح ها و حتی غیر انقلابی ها هم شرکت کردند. حاج قاسم در وصیتنامه اش نوشت که «در زندگی به انسانیت و عاطفه ها و فطرت ها بیشتر از رنگ های سیاسی توجه کردم». اما چرا چنین رفتاری کمتر میان مسئولان ما مشاهده می شود. به عبارتی مسئولان در مقام حرف حاج قاسم را تجلیل می کنند اما در مقام عمل از این رفتار ایشان الگو نمی گیرند.

شهید سلیمانی که خود پرورش یافته مکتب حضرت امام خمینی و جمهوری اسلامی است، چنان شخصیت ممتازی پیدا کرد که به تعبیر رهبر معظم انقلاب تبدیل به یک مکتب شد و این موضوع مهمی است. ضرورت الگوگیری از محسنات و رفتار این شهید بزرگوار و به طور کلی مکتب شهید سلیمانی یک ضرورت برای جامعه ما نسل جوان ما و به ویژه مسئولین نظام در هر سطحی است. اخلاص و مردمداری دو ویژگی بارز و برجسته شهید سلیمانی عزیز بود که از او یک انسان برجسته و دوست داشتنی ساخته بود. خدا محوری در همه کارهای ایشان به وضوح مشخص بود و کار را فقط برای رضای خدا انجام می داد و همیشه مردمدار بود و حضور در صحنه های مختلف برای دفاع از حق مردم چهره های شاخص و مردمی از شهید سلیمانی عزیز ساخته بود که این راه و روش می توان بهترین شیوه برای مسئولین ما در اداره کشور باشد که الحمدلله در حال حاضر ما شاهد دولتی مردمی و انقلابی با همین رویکرد در خدمت به مردم و جامعه هستیم و عمده ویژگی های شهید سلیمانی عزیز در رئیس جمهور کشور ما تبلور یافت.

نگاه حاج قاسم به مسائل فرهنگی هم قابل توجه است. سخن معروفش که می گوید آن دختر بی حجاب هم دختر من و شماست، این نگاه را تبیین می کند. به نظر شما این نگاه در نگاه مسئولان فرهنگی کشور چقدر فراگیر است؟ نگاه حاکم بر جامعه چقدر منطبق بر این دیدگاه است؟

شهید سلیمانی همه مردم ایران را با هر نوع عقیده سیاسی و فرهنگی با هر تیپ و ظاهری

66

برای شهید سلیمانی فقط حفظ آبروی نظام و انقلاب اهمیت داشت و هیچ زمانی مسائل نظام را با مسائل حزبی و جناحی گره نمی زد و همواره سعی بر این داشت که در جهت منویات ولی زمان خود برای سر بلندی کشور، اسلام و انقلاب گام بردارد



۱۴

من نه می گویم ولایت تنوری و نه می گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی کند؛ ولایت قانونی، خاص عامه مردم اعم از مسلم و غیر مسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولان است که می خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

گفت و شنود «جوان» با خادمان افتخاری مزار شهید حاج قاسم سلیمانی

خادمی حاج قاسم افتخاری است که نصیب ما شده است

می کردیم و با راه اندازی سیستم صوتی و دعوت از مداح و قرائت زیارت عاشورا و میز نقاشی برای بچه ها کار میزبانی از زائران را انجام می دادیم و در ادامه با کمک گرفتن از خیرین هدایایی را تهیه و به بچه ها تقدیم می کردیم. این شروع خادمی ما بود. کمی بعد این ایده به ذهن ما رسید که با جلب افراد با تخصص های مختلف کار خادمی را گسترش دهیم. شهادت حاج قاسم و تدفین ایشان در گلزار شهدای کرمان مأموریت جدیدی بود که خادمان و مسئولان گلزار بر عهده گرفتند. این خادم الشهداء در ادامه می گوید: فضای میزبانی و خادمی از زائران مزار حاج قاسم شبیه حال و هوای اربعین و پذیرایی از زائران امام حسین (ع) است. ما ایام اربعین در کربلا موکب داریم و کار رسانه ای هم انجام می دهیم. برای من تمام لحظات مزار حاج قاسم، شبیه به ایام پیاده روی اربعین است. ما در گلزار شهدا پذیرای تعداد زیاد زائران از کشورهای مختلف هستیم که دیدار با این عزیزان و همراهی با مهمان های حاج قاسم و پذیرایی از آنها اربعین ثانی را برای ما رقم می زند.

■ الگوی کشتی گیر سیبریایی

ایشان به خاطرات زیبایی که در این مسیر برای او و همراهانش رقم می خورد، اشاره می کند و می گوید: «یک روز یک آقای خودش را از سیبری به مزار حاج قاسم رسانده بود، به نام حسین علی اف، ایشان ورزشکار و کشتی گیر توانمند و موفقی بود، می گفت از وقتی زندگینامه سردار سلیمانی را خواندم و نسبت به ایشان شناخت پیدا کردم، حاج قاسم را به عنوان الگوی خودم انتخاب کردم. اسماعیل پور می افزاید: ما از کشورهای مختلف زائر داریم، اما نوع رفتار زائران مسیحی در کنار مزار حاج قاسم برایم جالب بود. یک بار زائران مسیحی به زیارت حاج قاسم آمده بودند، آنها مزار ایشان را می بوسیدند. هر چه اصرار کردیم که روی صندلی یا در جای مناسبی بنشینند، نپذیرفتند. می گفتند حاج قاسم مقام والایی دارد، ما باید در جوار ایشان روی خاک بنشینیم. درس آزادگی را نه فقط به مسلمانان و شیعیان بلکه به همه مردم جهان آموخت.

این خادم شهید راز محبوبیت حاج قاسم را در چند شاخصه ارزیابی می کند و می گوید: آنچه در این سه سال ما از حاج قاسم خواندیم و در همکلامی با همرزمانش شنیدیم و در کلیپ ها و فیلم های موجود از ایشان مشاهده کردیم، این بود که حاج قاسم معنویت خاصی داشت.

علت دیگر این محبوبیت، مردمی و کف میدان بودن حاج قاسم بود. ایشان با همه اقشار ارتباط داشت. با اینکه از لحاظ درجه شغلی و موقعیت شغلی در سطح بالایی بود و مشغله های زیادی هم داشت، اما بسیار خاکی با مردم رفتار می کرد. علت دیگر محبوبیت او ارتباط دلی و قلبی با ولایت و اهل بیت (ع) بود. ایشان به حضرت زهرا (س) ارادت زیادی داشت. از دیگر شاخصه های حاج قاسم می توان به جهاد ایشان در سال های انقلاب، دفاع مقدس و پس از آن جبهه مقاومت اشاره کرد. ■



“

وقایع دوران دفاع مقدس، زندگی حاج قاسم و موضوعات جبهه مقاومت است. در طول هفته هم برنامه داریم. پنجشنبه و جمعه ها ویژه برنامه رادیو گلزار داریم. ویژه برنامه جمعه شب ها را داریم و از ساعت ۱۲/۵ تا ساعت ۲ نیمه شب، نحوه شهادت حاج قاسم را پخش می کنیم که به مدت سه سال است انجام می شود. در آن ساعت گاهی تا هزار نفر زائر در گلزار شهدا حضور دارند.

او خودش را خادم خادمان مزار حاج قاسم می داند و در ادامه همکلامی مان به خاطره ای از یک زوج جوان که به زیارت آمده بودند، اشاره می کند و می گوید: روز خلوتی بود، آنها در حال قدم زدن بودند و من نزدیکشان شدم و شروع کردم با آقا امامد همکلام شدن که متوجه شدم ایشان از بصره عراق به زیارت آمده اند. آنها مستقیم از فرودگاه به گلزار شهدا آمده بودند تا اولین روز زندگی مشترکشان را کنار مزار حاج قاسم آغاز کنند. این دو عزیز با هم عهد کرده بودند بعد از ازدواج به زیارت مزار حاج قاسم بیایند و خیلی هم خوشحال بودند که توانستند به این خواسته قلبی شان برسند.

خادم خادمان می گوید: یکی از خاطرات شیرین ما خادمان در مزار حاج قاسم قرار عقد جوانان است که پیوند الهی و قلبی شان را در اینجا رقم می زنند. قبل از شهادت حاج قاسم تنها یک مورد عقد بر مزار شهدای این گلزار اتفاق افتاده بود، اما بعد از شهادت حاج قاسم بیش از ۴۷۰ زوج جوان از سراسر ایران به اینجا آمدند و مراسم عقدشان را اینجا برگزار کردند، این یکی از جاذبه های حاج قاسم است.

■ دلننگ مزار می شویم
محمد اسماعیل پور یکی از خادمان گلزار شهدای کرمان است. او از سال ها پیش به گلزار شهدا می رفت. از روزهای آغازین کار خادمی در گلزار شهدای کرمان چنین می گوید: «از زمان دانشجویی که فرصت بیشتری داشتم همراه با تعدادی از بچه ها کار فرهنگی ام را در گلزار شهدای کرمان آغاز کردم. روزهای پنجشنبه فرشی میان مزار شهدا پهن

■ معصومه ایمانی

کارشان از همان روز شهادت حاج قاسم شروع شد. برای خادمی سر از پا نمی شناسند. برای بدرقه و میزبانی از زائران مشتاقانه آماده و مهیا هستند؛ خادمانی که خستگی را خسته کرده اند. خادمی مزار حاج قاسم را رزقی می دانند که نصیب شان شده است. تمام همت شان میزبانی شایسته از علاقه مندان شهدا و به ویژه حاج قاسم است. در این مدت خاطرات زیادی برایشان رقم خورده است، بارها و بارها شاهد دلتنگی مردم بر مزار حاج قاسم بوده اند. مردمی که از روستاها و شهرهای مختلف و از راه های دور و نزدیک راهی کرمان می شوند. برای حاج قاسم که مرد میدان نبرد بود و مجاهدت هایش در جبهه مقاومت و در شکست داعش زبان زد شد، زیارت مزارش برای مردم سایر کشورها هم آرزویی است که بر خی به آن آرزو می رسند. پذیرایی از زائران ۷۰ کشور جهان افتخاری است که نصیب این خادمان شده است؛ خادمانی که خیلی ها دوست دارند جای آنها بودند. پای حرف هایشان که می نشینی همه اش دلتنگی است و عشق به مردی که خودش را به رغم همه مقام ها و مسئولیت ها فقط «سرباز» خواند و همین اولین درسی بود که حاج قاسم به دانش آموزان مکتبش داد. آنچه در ادامه می آید حاصل همکلامی ما با خادمان افتخاری مزار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است.

■ ■ ■

جاذبه های حاج قاسم عاشقان را به گلزار می کشاند جعفر طیار مسئول خادمان مزار حاج قاسم در گلزار شهدای کرمان است. میان همه سرشلوغی هایش کمی همراهی مان کرد تا از حال و هوای گلزار شهدای کرمان بدانیم. او می گوید: «ما حدود ۶۰۰ خادم خواهر و برادر داریم. این خادمان در ساعاتی مختلف در گلزار شهدا حضور پیدا می کنند. حفاظت از محیط، اجرای برنامه فرهنگی برای کودکان، میز نقاشی کودکان، اهدای بسته های فرهنگی در مناسبت ها از جمله برنامه های آنان است.

■ فعالیت خادمان در فضای مجازی

خادمان در فضای مجازی در دو کانال فعال هستند و حضور زائران و امورات مزار شهید حاج قاسم را در فضای مجازی منعکس می کنند؛ یکی کانال فصل خوبان و دیگری کانال گلزار شهدای کرمان.

این خادمان میزبان دانش آموزان زائر هستند که روزانه به اینجا می آیند و برنامه های فرهنگی خاصی برای آنان نظیر روایتگری، پخش فیلم و کلیپ های مربوط به حاج قاسم و جبهه مقاومت را داریم. از مهر امسال تا به امروز بیش از ۵ هزار نفر زائر دانش آموز در مزار شهید حضور داشتند. از برنامه های دیگر که توسط خادمین عزیز ما اجرا می شود، پرده خوانی است. این پرده خوانی ها جاذبه زیادی برای دانش آموزان دارد. روایت این پرده خوانی ها شامل

مانگران بودیم و به حاج قاسم می گفتیم ما که برای توسعه حرم امام علی (ع) مسئله مالی را چگونه حل کنیم. او می گفت شما شروع کنید، حل می شود. همین طور هم شد. کار را شروع کردیم، دیدیم که خیرین مؤمنین هر کدام وارد کار شدند و به برکت حضرت زهرا (س) دیدیم که ما فضای ۲۰ برابری برای حرم مطهر آقا امیرالمؤمنین (ع) به نام حسینیه حضرت زهرا (س) را ساختیم



ادامه از صفحه ۱۳

از همان فاصله چشم به مردمی داشتم که اطراف مزار حاج قاسم را گرفته بودند. تیپ‌های متفاوتی از آدم‌ها، کودک، جوان، پیر، مرد و زن یکی چادری، دیگری مانتویی، یکی باریش و دیگری با چهره‌ای که شاید گاهی فکرش را هم نکنی که علقه‌ای به شهیدا داشته باشد. همه دور حاج قاسم را همچون نگینی گرفته بودند، اشک می ریختند و دعا می خواندند. به سختی می شد از میان شان عبور کنی و خودت را نزدیک مزار برسانی. وقت زیادی هم برای ایستادن در کنارش نداشتی، همه واگویی‌ها، همه دلتنگی‌هایت را باید در چند جمله خلاصه می کردی تا نوبت به دیگری برسد، کنارش ایستادم، حس زیبایی بود، حس فرزندی که بعد از سالیان دور به آغوش پدر رسیده باشد. خیلی حرف‌ها بود که با حاج قاسم داشتم، چه دعاهایی که باید در کنار مزارش می کردم برای خود و کسانی که التماس دعا داشتند. چه سلام‌هایی که از راه‌های دور و نزدیک باید به ایشان می رساندم.

من کان لله کان الله له

موسوی چنین ادامه می دهد: جمعیت مشتاق هر لحظه بیشتر و بیشتر می شد. چشم که می چرخاندی خودت را میان جمعیتی می دیدی که از شهرهای مختلف کشور خودشان را به مزار حاج قاسم رسانده بودند، نوع پوشش و لهجه‌ها بیانگر این نکته بود که سردار ما عاشقانی از همه نقاط کشور دارد. مردمانی از کشورهای دیگر هم حضور داشتند. آرزو کردم ای کاش زبان‌شان را می دانستم و از آنها می پرسیدم که چه چیزی آنها را تا به اینجا کشانده است! اما با کمی تأمل می شد به راز محبوبیت حاج قاسم پی برد «من کان لله کان الله له»، حاج قاسم مرد خدا بود و هر کس که رابطه‌اش را با خدا خوب کند، خداوند رابطه‌اش را با خلق خوب می کند و او را محبوب مردم می کند. این است راز محبوبیت مردی که از یک طرف مأمین خانواده شهیدا بود و از طرف دیگر نامش هم لزه به تن دشمنان اسلام و ایران می انداخت. امید که زیارتش نصیب همه دوستدارانش شود.

نمی خواستیم به دنیای مادی برگردیم!

محمد رحیم‌لو، طلبه است. او همراه یکی از دوستانش جهت برگزاری مراسمی مربوط به سردار سلیمانی راهی کرمان می شود و همین همراهی توفیق زیارت حاج قاسم را برای ایشان فراهم می کند. رحیم‌لو از روز زیارتش چنین می گوید: وقتی دعوت دوستم را شنیدم، احساس عجیبی به من دست داد، نمی دانستم این سفر و زیارت نصیب خواهد شد یا نه! اما در دلم می گفتم این سفر دعوت خود حاج قاسم است. وقتی به کرمان رسیدیم، ابتدا پیگیر کاری بودیم که ما را تا به آنجا کشانده بود. کار را که به پایان رساندیم، ساعت ۱۱ شب رانسان می داد. بدون درنگ راهی مزار حاج قاسم شدم. آنچه در ذهن داشتم این بود که این وقت از شب باید مزار ایشان خلوت باشد، اما وقتی رسیدم تعجب کردم، مزار حاج قاسم پر از زائر بود و تا زمانی که آنجا بودم، لحظه‌ای خلوت نشد.

جدا شدن از حاج قاسم سخت بود

رحیم‌لو ادامه می دهد: شور عجیبی همه مزار را فرا گرفته بود. اصلاً دلم نمی خواست از آن مکان دور و از آن فضا جدا شوم. گویی آنجا فارغ از زندگی مادی دنیا می شوی. می خواستیم بمانیم و به دنیای مادی برنگردیم. همین حس باعث شد چند روزی در کرمان بمانیم. برای حاج قاسم حرف‌های زیادی داشتم. گفتم و گفتم و از او خواستم عاقبت بخیری را برابرم از خداوند طلب کند. روز آخری آنقدر جدا شدن برابرم سخت بود که نزدیک بود از قطار جا بمانم. به جرئت می توانم بگویم همه آنچه دیدم، زیبایی بود و زیبایی. با خود گفتم راز این ککش را باید در اخلاص، تعهد و ولایتمداری این سرباز ولایت جست‌وجو کرد. ■

بازسازی عتبات عالیات باقیات و صالحات حاج قاسم است

حسن پلارک، رئیس ستاد بازسازی عتبات و عالیات

حاج قاسم همه‌جانبه حرکت می کرد. ایشان در حوزه‌هایی که مسئولیت می پذیرفت، علاوه بر جنبه‌های امنیتی به مسائل فرهنگی و رفاه مردم نیز توجه داشت. برای حاج قاسم مهم بود ما اقداماتی را که انجام می دهیم در راستای رضایت مردم باشد و آنها باید طعم خدمات ما را بچشند. معتقد بود اگر ما در دفع فتنه داعش در عراق یا سوریه به آنها کمک می کنیم باید جنبه‌های دیگر حرکتمان در بخش‌های اجتماعی و فرهنگی هم نمود داشته باشد. به عنوان نمونه، کمک به مردم مناطق آزاد شده از نظر ایشان بسیار مهم بود. اصلاً هم مطرح نبود که اینها شیعه یا سنی هستند یا از اقلیت‌های دیگر دینی. مذهب و نژاد برایش مهم نبود. اینکه عرب یا کرد باشند هم مهم نبود. مهم این بود که اینها احساس کنند حضور ما به نفع آنهاست و خدمات ما می تواند خسارت وارده به آنها را جبران کند. ایشان پیگیری می کرد که دولت عراق هم وارد میدان شود و رایزنی می کرد تا طبق توافق دولتی کارها پیش برود. حاج قاسم معتقد بود عراق با توجه به وجود اماکن مقدسه و اکثریت تشیع و اهل سنتی که ارادت به اهل بیت (ع) دارند، می تواند پایگاه بزرگ شیعه باشد.

“

برای شهید سلیمانی فقط حفظ آبروی نظام و انقلاب اهمیت داشت و هیچ زمانی مسائل نظام را با مسائل حزبی و جناحی گره نمی زد و همواره سعی بر این داشت که در جهت منویات ولی زمان خود برای سربلندی کشور، اسلام و انقلاب گام بردارد

برای حرم مطهر آقا امیرالمؤمنین (ع) به نام حسینیه حضرت زهرا (س) را ساختیم. جایگاه بسیار با عظمتی به وسعت ۳۰۰ هزار مترمربع که در دنیا این نام و این مساحت ثبت شد. مهندسی بسیاری آمدند از کار ما الگوبرداری کردند. این یکی از کارهایی بود که سردار سلیمانی خیلی به آن اهمیت می داد و تأکید ایشان بود که ابتدا کار از نجف آغاز شود. می گفت بیشتر زائران ابتدا به نجف می آیند و از نجف به کربلا می روند. اما اولویت دوم حاج قاسم، کاظمین بود. ما همزمان با کار در نجف، در کاظمین هم کار را شروع کردیم و توسعه پنج برابری در کاظمین انجام شد. احداث دو شبستان بزرگ همراه با صحن امام محمد باقر (ع) همراه با صحن مسجد صفوی موجب شد صحن کاظمین پنج تا شش برابر توسعه پیدا کند. بعد هم کار در کربلا را شروع کردیم. سال ۹۴ به ایشان گفتم که می خواهیم صحن عقیده را در کربلا شروع کنیم. ایشان مانع شد گفت شما همین کارها را که شروع کردید تمام کنید. گفتیم آقا تمام شده است! حاج قاسم به دلایل امنیتی نمی توانست بیاید و روند کار را از نزدیک ببیند، اما کار که تمام شد آمد. اصلاً برایش قابل باور نبود که این پروژه با این عظمت در آن مدت تمام شده باشد. بعد ما توسعه حرم عقیده بنی‌هاشم را آغاز کردیم که آخرین بازدید که ایشان داشت، پروژه ۳۵ درصد پیشرفت داشت.

حاج قاسم در آخرین صحبتی که در عتبات و عالیات برای ما داشت، گفت آرزوی من توسعه و پاکسازی سامراست. این آرزوی حاج قاسم بود که شش ماه بعد به شهادت رسید. همه تلاش ما بر این است که این خواسته ایشان هم محقق شود. هر چند ما کار را در سامرا آغاز کردیم، اما کاری که مطلوب ایشان است و خواسته حاج قاسم است نیاز به زمان و مقدمات زیادی دارد. البته ما طرح جامع سامرا را همان زمان آماده کردیم و ایشان دیدند و تأیید کردند و دوستان عراقی هم تأیید کردند و دستگاه‌های مربوطه عراق نیز پذیرفتند. طرح بسیار عظیم و گسترده‌ای است و ما نظر حضرت «آقا» را هم گرفتیم. ایشان فرمود این طرح به گونه‌ای باشد که اقامتگاه‌ها و مراکز خرید هم در جوار حرم احداث شود تا همه نیازهای زائران سامرا در همانجا قابل تأمین باشد. اما مانعی در سال‌های اخیر به وجود آمده که امیدواریم با اتفاقات خوبی که در عراق افتاده و با تشکیل دولت جدید که به ثبات سیاسی رسیده است، ما بتوانیم با کمک دوستان عراقی کارها را سریع‌تر انجام دهیم.

باید بگویم بازسازی عتبات و عالیات از باقیات و صالحات شهید سلیمانی است که هم‌تراز با کارهای نظامی و سیاسی برای آن هم وقت می گذاشت. حاج قاسم در مورد سامرا می گفت حسن! در رابطه با سامرا هر کجا و هر نقطه‌ای که لازم می دانی به من بگو تا بیایم و مشکل را حل کنیم. ■

۹۵ جمعیت ۱۰۰ هزار نفری به عنوان زائر اربعین به عراق داشتیم که سال گذشته به ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسید. ضمن آنکه در ایام خاص مثل عرفة، نیمه‌شعبان، ۱۳ رجب و مناسبت‌های مختلف ما شاهد حضور جمعیت میلیونی هستیم. این پیش‌بینی ایشان بود، اما این ساخت و سازها و بازسازی‌ها بودجه می خواست. از طرفی دولت‌ها نه اجازه داشتند و نه جایز می دانستند که از بودجه بیت‌المال استفاده شود. خیلی از بزرگان که خدمت آنها مشرف شدیم، می گفتند تلاششان این باشد که از کمک‌های مردمی و خیرین استفاده کنند. ما هم نگران بودیم و به حاج قاسم می گفتیم که برای توسعه حرم امام علی (ع) مسئله مالی را چگونه حل کنیم. او می گفت شما شروع کنید، حل می شود.

همین طور هم شد. کار را شروع کردیم، دیدیم که خیرین و مؤمنین هر کدام وارد کار شدند. یکی گفت من سنگ می دهم، آن یکی آهن می داد، یکی گفت من چوب می دهم، یکی دیگر گفت برق با من، همین طور کارها انجام شد و به برکت حضرت زهرا (س) دیدیم که ما فضای ۲۰ برابری

مزار شهید ابومهدی المهندس دیگر یک قبر ساده نیست، میعادگاه همه کسانی است که می خواهند به مقابله با امریکا و استکبار برخیزند و حالا روزانه زائران زن و مرد از داخل عراق و کشورهای مختلف از جمله ایران، لبنان و بحرین به زیارت فرماندهای می روند که خود را سرباز حاج قاسم می دانست.



ویژه نامه «محبوب ملت»
مدیر مسئول: محمد جواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صدقیان
دبیر ویژه نامه: یوسف زمانی
مدیر فنی: حسن فردی
چاپ: همشهری

صغری خیل فرهنگ

محرم ۱۴۴۴ فرصتی شد تا برای اولین بار به زیارت مزار شهید ابومهدی المهندس مشرف شوم. ابومهدی را از همراهی اش با سردار حاج قاسم سلیمانی در جبهه مقاومت می شناختم. کمی بعد فیلم کوتاهی از مصاحبه او در فضای مجازی منتشر شد که در آن از انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و حاج قاسم صحبت کرده بود. ابومهدی در این فیلم مستند از جهاد حاج قاسم، شجاعت و بصیرت او گفت و خود را سرباز حاج قاسم معرفی کرد. خبرنگار مجدداً و موکداً از او پرسیده بود فرمانده حشدالشعبی عراق خودش را سرباز حاج قاسم می داند؟! ابومهدی گفته بود بله به این سربازی افتخار می کنم که نعمتی الهی است. شباهت زیادی بین این دو فرمانده و سرباز وجود دارد. کمی تحقیق و مطالعه کافی است تا بدانیم ابومهدی حشدالشعبی همان حاج قاسم جبهه مقاومت است که مسیر زیادی را در سال های مجاهدت طی کرد تا به مقام سربازی ولایت رسید و عاقبتش شهادت شد. ابومهدی در آن فیلم به حکمت ۳۰۶ نهج البلاغه اشاره کرده و گفته بود کَفَى بِالْأَجَلِ حَارِسًا. هر کس سر نوشت حتمی معینی دارد و تا آن زمان فرانسید جان او محفوظ است؛ اما هنگامی که فرمان نهایی رسید، هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند در برابر آن مقاومت کند. آری اجل برای او شهادت در رکاب یار و همزم در برینه اش حاج قاسم بود. نوشتار زیر روایتی است از زیارت مزار شهید عزیزمان ابومهدی المهندس و همکلامی با زائران مزارش.

زیارت مزار شهید تجدید پیمان با شهداست

از وادی السلام نجف به سمت مزار ابومهدی راهی می شوم و در مسیر زیارت آیت الله قاضی و شهید هادی ذوالفقاری نصیبم می شود. اما تا محل مزار ابومهدی فاصله زیادی است که بالاچار با ماشین مسیر را طی می کنم. در مسیر به تصاویر و فیلم های ابومهدی نگاه می کنم. از حضورش در جبهه مقاومت، از فرماندهی نیروهای حشدالشعبی، از دیدار و سرکشی هایش در محله های عراقی و خانواده شهدا و... همه و همه من را مشتاق زیارتش می کند. کمی مانده تا مقصد، تصاویر شهدای حشدالشعبی بر درو دیوار کوچه های نجف جلوه گری می کنند. هر چه به مزار شهید نزدیک و نزدیک تر می شوم تعداد تصاویر بیشتر و بیشتر می شوند. لحظاتی بعد ماشین نگه می دارد و راننده عراقی می گوید اینجا مزار ابومهدی است. شور و حال عجیبی دارم. از یک ورودی کوچک به قبرستان راه پیدا می کنم و بعد از طی مسیر کوتاهی به محل تدفین شهدای حشدالشعبی و ابومهدی می رسم. حالا در چند قدمی مزار شهیدی ایستاده ام که امام خامنه ای به ایشان فرمود من هر شب شما را با اسم دعا می کنم. نزدیک در ورودی یکی از نیروهای حشدالشعبی ایستاده برای حفاظت از زائران و مزار شهدا، جلوتر می روم وارد سالن می شوم. همانطور که تصور می کردم ابومهدی و یارانش میزبان زائرانی هستند که به عشق ایشان خودشان را به اینجا رسانده اند. قاب عکس بزرگی از شهید ابومهدی بر بالای مزارش قرار دارد. نزدیک می شوم سلام و عرض ارادت و یادی می کنم از آنهایی که دوست داشتند برای لحظاتی کنار فرمانده شهید و یارانش باشند. هر لحظه که می گذرد زائران می آیند و می روند. کمی



میعادگاه ضد امریکا

گزارش خبرنگار «جوان» از حضور بر مزار شهید ابومهدی المهندس فرماندهای که خودش را سرباز حاج قاسم می دانست

پیکرهای مطهر شهدا بودم. دل تنگی و حس عجیبی داشتم. یک لحظه من با دعای صمیمانه از پروردگار تعالی خواستم اولین نفری که پیکر مطهر شهدا را لمس می کند من باشم و آنها را مشایعت کنم. باورتان نمی شود الحمدلله دعایم مستجاب شد و ماشینی حامل فرماندهان شهید به کنار من آمد و ایستاد و دقیقاً از همان جانتشیع پیکرهای مطهر شهدا آغاز شد. دست بر تابوت شهدا کشیدم. لحظه ای که با افتخار ثبتش کردم. ابوفلاح در ادامه از حضورش بر مزار شهدای مقاومت می گوید: «زیارت مرقد مطهر شهید ابومهدی المهندس و شهدای این جایگاه یک تجدید عهد و بیعت با شهیدان است. شهدایی که الگوی بارز و شایسته جهاد، ایثار و فداکاری در محور مقاومت هستند. من وقتی بالای قبر شهید ابومهدی می ایستم حس افتخار و سربلندی دارم که یک زمانی من با این عزیز همزم و همسنگر بودم. وان شاء الله مشمول شفاعت ایشان در روز قیامت باشم. من ساکن عراق هستم و توفیق دارم که مکرر به زیارت امیرالمؤمنین (ع) مشرف شوم و بلافاصله خودم را به مرقد شهدا برسانم. حالا دیگر زیارت شهدا و مزار ابومهدی برای من امر واجبی است که ترکش نمی کنم.» هم کلامی مان با ابوفلاح با یک دعا به پایان می رسد «اللهم ارزقنا زیارت فی الدنیا و شفاعته فی الآخرة»

دورتر تصویر یک شهید چشم نواز است، از کنار مزار ابومهدی بر می خیزم و به سمت تصویر می روم، درست حدس زدم تصویر محمد است، شهید محمد شیبانی. شهیدی که همراه با ابومهدی و حاج قاسم به شهادت رسید. محمد فرزند یکی از شهدای عراقی است. شهید ابوجعفر شیبانی، همزم و رفیق حاج قاسم و ابومهدی. ابوجعفر در وصیتنامه اش محمد را به حاج قاسم سپرده بود و دست تقدیر بر آن شد که حاجی خودش امانت را با شهادت به پدر برساند. کناری می ایستم و به تصاویر شهدا و زائران خیره می شوم. به حق باید گفت که این عشق و ارادت به شهدا در وجودشان نعمت الهی است.

احساس افتخار در جوار شهدا

ابوفلاح هم به زیارت مزار شهدا آمده است. او یکی از همراهان و رفقای شهید حاج ابومهدی المهندس و دایی شهید محمد شیبانی است. از او می خواهم از ابومهدی بگویم. می پذیرد و با یاد خدا صحبت هایش را آغاز می کند و می گوید من این افتخار را هم داشتم که تحت فرماندهی برادر عزیزم حاج ابومهدی انجام وظیفه نمایم. اگر اجازه بدهید قبل از پاسخ به سؤالتان در مورد حضورم در اینجا و زیارت این بزرگواران خاطره ای را برایتان از تشییع شهدا روایت کنم. در روز تشییع پیکرهای مطهر شهیدان حاج قاسم و حاج مهدی و همراهان آنها من هم مانند همه برادران در خیابان ایستاده و منتظر رسیدن

شهید هادی ذوالفقاری

کناری ایستاده و به مزار ابومهدی خیره شده است. جوانی است عراقی، از او می خواهم از خودش برایم بگویم، به خوبی فارسی صحبت می کند و می تواند به خوبی پاسخ گوی سؤالات باشد. می گوید من سیدمهد موسوی فرزند شهید علی موسوی هستم. پدرم سال ها پیش به دستور صدام به شهادت رسید. او شهید هادی ذوالفقاری را می شناسند و می گوید: «من و هادی با هم رفیق بودیم. او را خوب می شناختم. خیر شهادتش برایم بهت آور بود. هر وقت که به نجف بیایم به مزار هادی و ابومهدی سر می زنم.» او از آشنایی و دیدارش با ابومهدی می گوید: «من حاج ابومهدی را در زمان ورود داعش به عراق زمانی که در حشدالشعبی بود می شناختم. من او را در برخی مصاحبه های مطبوعاتی می دیدم و حرف هایش را می شنیدم. ابومهدی آرامش عجیبی داشت به طوری که در اولین دیدار از میزان ثبات روحیه اش شگفت زده شدم. من او را از نزدیک دیده ام. در مجلس فاتحه شهید اکرم الخاقانی و در حرم امیرالمؤمنین (ع). ابومهدی با چند تن از یارانش به نماز جماعت ایستاد. شناخت ابومهدی از زبان نیروهایش جالب است. یکی از بچه های حشدالشعبی می گفت ابومهدی مرد بسیار بزرگی است. در بین همه دغدغه ها و کار هایش در طول روز، زمان خاصی را برای عبادت و اعتکاف نزد پروردگارش دارد.

ابومهدی شایسته ستایش است

سمیرا از تهران آمده و حالا او هم زائر مزار ابومهدی شده بود. او می گوید: واقعیتش من اصلاً ایشان را نمی شناختم. من ابومهدی را با شهادت حاج قاسم سلیمانی شناختم. بعد کمی درباره اش مطالعه کردم و متوجه شدم چقدر مرد مجاهدی بود و چقدر به حاج قاسم ارادت داشت. همین ارادت شان به حاج قاسم من را مشتاق کرد که بیشتر او را بشناسم و به مزارش بیایم. آدمم برای عرض ارادت به ساحت مردی که در نهایت بزرگی و مجاهدت خودش را سرباز حاج قاسم می دانست. آدمم که به ابومهدی بگویم ما حواسمان هست که شما حاج قاسم ما را در جبهه مقاومت و در نبرد با تکفیر و داعش و استکبار تنها نگذاشتید. آدمم بگویم ما شما را دوست داریم. این عشق مردان خدا است که مرزها را در هم می شکنند و همه ما را یکدست و همراه می کند. خیلی خوشحالم که اینجا هستم. خدا را شاکرم بر این نعمت زیارت. زیارت مزار کسی را نصیب من کرد که عاشق خدا بود خدا عاشقانه او را خرید. مردی که مخلص بود. حالا ابومهدی را مردی وارسته و باصلابت می شناسم که برای اسلام و برای مردمش ایستاد و عاشقانه جان داد. این ها شایسته ستایش هستند.»

محبوب قلبها

مزار شهید ابومهدی المهندس دیگر یک قبر ساده نیست، میعادگاه همه کسانی است که می خواهند به مقابله با امریکا و استکبار برخیزند و حالا روزانه زائران زن و مرد از داخل عراق و کشورهای مختلف از جمله ایران، لبنان و بحرین به زیارت فرماندهای می روند که خود را سرباز حاج قاسم می دانست. ابومهدی المهندس، با عنوان قائم مقام تشکیلات حشدالشعبی طی سال های ۲۰۱۴ تا هنگام شهادتش نقش بزرگی در جنگ علیه داعش ایفا کرد و شخصیتی به شدت محبوب در میان نیروهای حشدالشعبی و جامعه شیعیان عراق بود و شهروندان اهل سنت، کردها و سایر طیف های عراقی نیز برای او احترام ویژه ای قائل هستند. ■